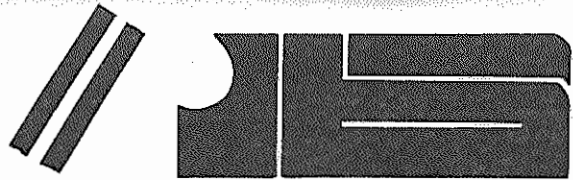


هموطن!
برای نجات جان زندانیان
بیا خیریم!



هموزم!
برای نجات جان زندانیان
متحد شویم!

ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)

دوره دوم - سال پنجم - شماره ۶۰ اول بهمن ماه ۱۳۶۷ - ۱۰ صفحه - ۶۰ ریال

فداییان قهرمان، کادرهای برجسته سازمان، رفقا اسماعیل پورمحمدی (حجت)، بندعلی مرادیور، محمود بهکیش، خشیار خواجهان (فرامرزی)، حسن دشت آرا (حسن شرق) و عباسعلی منشی رودسری در جریان کشتار اخیر رژیم ارتجاع شهید شدند

نمانده است. قسمت دوم "آموزشگاه" نام دارد که دارای دو بخش است، بخش مردان و بخش زنان. هر بخش دارای سه طبقه است. در طبقه های اول و دوم بخش مردان گویا فقط در حدود ۳۰ نفر زنده مانده اند. در بخش مردان در مجموع شاید در حدود ۱۰۰ نفر باقی مانده باشد. در بخش زنان گویا مجموعاً تعدادی در حدود ۲۰۰ نفر زنده هستند که اکثر آنها جانشان در خطر اعلام قرار دارد. قسمت سوم، دارای ۴ بند است که در آن زمان زندانیان سیاسی نگهداری می شوند. در مجموع در این ۳ بند حدود ۱۰۰ نفر باقی مانده اند. به طور کلی از چندین هزار زندانی سیاسی که از قبیل از پیشرفتگان مسیحه زنده اند. بقیه در صفحه ۴

در مسلخ خمینی

نه با زدا شکا و نه با شکنجه گاه، هیچکس ندانم تواننده ای درخور برای زندان های رژیم خمینی باشد. اینجا قتلگاه است، اردوگاه مرگ است، مسلخ اسیران خلق است، اینجا میدان جنگ است، جنگی مطلقاً نابرابر. جنگی به تمام معنا فجیع، آنچنان فجیع که حتی نمودارن، مویسر سرکودگان سفیدی کند. اینک گزارشی کوتاه از آن چه که در زندان ها، بزرگان و زندانیان رفتن می رود:

زندان اوین

علاوه بر سلول های مربوط به وزارت اطلاعات که برای با زوجی، شکنجه و تحت نظر داشتن بازداشتی ها به کار می رود و نیز علاوه بر دو قسمت اداری و پادگان، در اوین زندانیان مجموعاً در سه قسمت نگهداری می شوند. قسمت اول، "آموزشگاه" نام دارد که در حدود ۵۰۰ سلول یک نفره و تعداد کمی اطاق عمومی است و معمولاً برای نگهداری زندانیان تحت بازجویی و تشبیه انفرادی به کار می رود. گفته می شود که از زندانیان قدیمی این قسمت تقریباً هیچکس زنده

فاجعه ایران و آزمون حقوق بشر

ترازوی شکست انقلاب ایران به دست گورزادان حاکم، شما می ژرفای رنجبار خود را دیگر با رد رکشتا زندانیان سیاسی به دست جلادان خمینی و رفته رفته نمایان کرده است. تقارن این کشتار با چهلمین سالگرد صدور منشور حقوق بشر به گویا ترین زبان همه ذات خدشتری رژیم کنونی ایران را در برار برچیان به شما پیش گذاشته است. حقوق بشر نیز در بر خود با این ترازوی بشری آزمونی بزرگ را آزمی گذراند. آزمونی که در آن مردمهای بزرگی نرفته است. آزمونی که در آن بزرگ ترین درس حقوق بشر را می توان آموخت. آزمونی آمیخته با توانائی ها و ناتوانی های بشریت امروز برای تحقق آرمان های انسان دوستانه خویش.

در این روزهای تلخ مرگ زار، بشریت با دل و جان خود در کنار مردم ما است. بشریت، تا هر آنجا که شمع اطلاع و آگاهی امتداد می یابد، همدلی خود را با مردم عزیز ایران و نفرت خویش را از زکارد رژیم خمینی ابراز می دارد. مردم ما تنها نیستند و تنها نخواهند بود. فریاد اعتراض همچنان نیرو می گیرد و بریاری جهان نیز به مردم کشور ما افزوده می شود. با این همه در چهلمین سال صدور منشور حقوق بشر، تنها منسک کردن توانائی ها و مسکوت گذاشتن ناتوانی ها و نا پیگیری ها در دفاع از حقوق بشر در مقابل بله با اقدامات تبهکاری رانه خیر رژیم ایران آموزی درست نخواهد بود. دفاع از حقوق بشر مستلزم آن است که هر کوتاهی و نا پیگیری در این باره به جا و به موقع برخورد شود.

در میان حامیان مردم ایران، در میان نیروهای که در این روزهای خونبار تاریخ کشور ما با همه وجود خود را شریک در دما می دانند و در کنار ما به مقابله با تبهکاری های رژیم ارتجاع برخاستند، احزاب کمونیست و کارگری برجسته تر و پیگیرتر از همه هستند. احزاب کمونیست کشورهای اروپایی، احزاب کمونیست آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین و ایالات متحده آمریکا، از نخستین روزهای فاش شدن قتل عام زندانیان سیاسی ایران، فریاد اعتراض سردا دندوبیا قاطعیت رژیم ایران را محکوم کردند و از دولت های کشورهای خود خواستند تا این رژیم را سرای قطع جنايات زیر فشار قرار دهند. احزاب کمونیست اخبار روزگارش را مربوط به خون ریزی های ایران را در همه جهان منعکس کردند و هر یک به تناسیب شرایط خویش کوشیدند تا اقدام موثرتری بسازند. جلوه گیری از سبیل خون را از زمان دهشت در هر کجا که بر این زمین می آید، اعتراضات و تظاهرات در اعتراض به اقدامات رژیم برپا کردند، همزمان کمونیست با مشارکت فعال خود ترقی خواهان ایران را یاری دادند. جوهر عمیقاً بشردوستانه بقیه در صفحه ۲

هجده سال جنبازی برای مردم

هیجدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق فرا می رسد. طی این سالها، فدائیان خلق را هی بس دشوار را زمین آتش و خون گذرانده اند. شما می بنیانگذاران و رهبران متقدم سازمان ها و صدها کار در برجسته و عضو زنده در راه اهداف رسیدن. سنت های والای سازمان زندانیان سیاسی و خوشبختی توده های وسیع خلق و در راه برپایی یک جامعه فراخ از دست و پستار رقیبمانا نه به شما دست رسیدند. سنت یاد ای و جان فداییان در راه خلق، بر تارک بیکار روزها همچنان می درخشد. بیداری جنبش فدائی تحولی انقلابی و بالنده در جنبش انقلابی مردم ایران در تاریخ دودهدا خیر میهن ما بوده است. نسلی جدید جوانان از بهتریمن و بیشرترین فرزندان توده های مردم به راه مبارزه با دیکتاتوری خونین شاه گام گذارند. در سال های که ما به شوموسیا استبداد شاه بر میهن ما حاکم بود، فدائیان خلق با عزم بی ریزی سازمانی مردم برای رهایی کارگران و زحمتکشان میهنمان نبرد می شجاعانه را آغاز کردند. آماج مقصد رژیم انقلابی فدائیان خلق، سرنگونی رژیم استبدادی و وابسته شاه و برقراری حاکمیتی انقلابی و مردمی بود. صداقت انقلابی و رزمندگی و عشق و وفاداری به مردم، اعتقاد دینا بدولت و آزادی کمونیسم و وجوه مشخصه جنبش فدائیان خلق را تشکیل می دادند.

حما سه های شگوه مند قهرمانی و جان نسیازی فدائیان خلق، سکوت سیا هدیکتا توری را درهم درید. شعارهای مرگ بر شاه، مرگ بر امپریالیسم پیروز با دلق درکوی ویران و در شکنجه گاه ها و میدان های اعدام ذخیمان شاه ظنین فکن شد. بیکر ده ها و سرکوب های وحشیانه و بی درپی رژیم هرگز نتوانسته بقیه در صفحه ۲

ده سال جنایت علیه مردم

ده سال از انقلاب نگوه مند بهمن ۵۷ گذشت. انقلابی که تجلی رزم جانبا زانه وسیع ترین اقرار و طبقات مردم میهن ما علیه نظام مستعبدی و نفوذ امپریالیستی بود. توده های دهها میلیونی مردم که خالق این انقلاب بودند با آرزوها، خواست ها و شعارهای آزادیخواهان، استقلال طلبانه و عدالت طلبانه با میدان نبرد نهادند و با قیام های ۲۲ بهمن، عظیم ترین رویداد تاریخ معاصر کشور را آفریدند. اما عتبات عظیم کارگران و زحمتکشان، تحریم ها، تظاهرات میلیونی و سرانجام قیام یکپارچه و عمومی برای پایان دادن به دیکتاتوری و استبداد و نفوذ امپریالیستی و رفع بی عدالتی و فقر و تنگنای حقوق و منافع اقشار خلق برپا گردید. قلب های تنیده، مشت های گره شده و فریادهای خروشان مردم با آزادی و بهیروزی داشت. خلق، یکپارچه به پا خاست تا سرنوشته خود و کشتن را تعیین کند، دهقان صاحب زمین شود، شرايط کار و زندگی کارگران بهبود یابد، کار و رومنگ برای همه تأمین شود، تبعیض علیه زنان و مست علیه خلق های ساکن کشورهایان با بدو آزادی سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم تأمین گردد.

به رکت این انقلاب، زندانیان سیاسی کشور آزاد شدند، سازمان های سیاسی انقلابی مجال برای مدو فعالیت علنی یافتند، رژیم شاهنشاهی منهدم شد، نفوذ سیاسی و نظامی امپریالیسم در هم شکست، پیمان های آسارتا نظامی، سیاسی و اقتصادی فسخ گردیدند، بانگ های ملی شدند، بسیاری از سرما به های بزرگ وابسته منهدم شدند. اما انقلاب قادر شد تا معانی استقرار رژیم درنده خوی جدید شود. رژیم خمینی دستا وردهای گرانقدر انقلاب خلق را یکی پس از دیگری تبا کرد، آزادی سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم قبل از همه و از همسازان نخستین سال انقلاب، به شدت پایمال گردیدند. بقیه در صفحه ۶

کارشکنی رژیم عراق در مذاکرات

مذاکرات صلح مدت ها است که برایش کارشکنی های رژیم عراق به بین بست رسیده است. رژیم جمهوری اسلامی که خود در تداوم جنگ هستی سوز نقش درجه اول داشت، از مدت ها پیش دیگر امید به ماجراجویی هائی از نوع عملیات "خیبر" و "والفجر" و غیره را از دست داده و به این نتیجه رسیده است که برای حفظ کل نظام مجبور است "خامنه" را تا به آخر سرکشد. از این رو با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت آمریکا خود را برای انجام مذاکرات با عراق آماده اعلام نمود.

طی مذاکراتی که بین هیئت های نمایندگی دو رژیم صورت پذیرفت، آشکار گشت که با راه اساسی رژیم عراق است که حاضر نیست مذاکرات درجهتی سرکند که هر چه زودتر آتش بس پذیرفته شده به استقرار صلح و خاتمه جنگ منجر شود. رژیم عراق با مطرح نمودن مجدد قرارداد ۱۹۷۵ و لزوم تجدید نظر در مورد آن و ادعاهای مربوط به اروند رود (شط العرب)، با عقب نشینی به مرزهای بین المللی مخالفت می کند و آشکارا تلاش می کند که در روند مذاکرات اختلال ایجاد شود. به موازات این کارشکنی ها، تحریکات نظامی از سوی رژیم عراق در جبهه هموار وجود داده شده است. در اوایل دیماه بود که از سوی عراق چندین حمله هوایی در خلیج فارس بقیه در صفحه ۲

- ★ دهمین سالگرد مبارزات شورایی زحمتکشان ترکمن صحرا
- ★ اعتراض منتظری به کشتار زندانیان
- ★ وقتیکه خمینی مصلح جهانی می شود!
- ★ اعتراض، اجتماع و تظاهرات علیه قتل عام زندانیان سیاسی ایران
- ★ یاد نامه شهیدان
- ★ یاد شهیدان توده های گرامی باد!
- ★ جنبش دانشجویی، تکانه های تازه

گرامی باد هجدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

فاجعه ایران ...

آرمان کمونیستی ما، که خودعصاره همه آرمان ها و آرزوهای انقلابی، ترقیخواها و نهوشردوستا نسبه بشریت است، درحماقت پرشورا حزب کمونیستی و کارگری جهان از همه زمان های سیاسی ترقیخواه کشور ما و از همه مردم نرجه دیده ما زتاب شکوه مندی یافت است.

درکنار احزاب کمونیست و کارگری نیروهای ترقیخواه و صلح دوست بسیاری، شامل سوسیال دمکراتها و دمکراتها، سبزها، طرفداران حق بشر و سوسیالیست های دیگر از احزاب، سازمان ها و نهادهای ترقیخواه، به ویژه در اروپا علیه رژیم ایران موضع گیری کردند و خواستار رقت بیدرتک خونریزی و اجرای حقوق بشر در ایران شدند. آنها دولت های متشوع خود را جهت اقدام برای قطع حریق ریزی و اجرای حقوق بشر در ایران زیر فشار قرار دادند و در این راستا، در چند کشور اروپا، موضع موثق به او دار کردن دولت ها به موضع گیری می رسیدند. از آن جمله دولت آلمان کبیسار که پیشتر با یک ابراز تا سفیرا شتر، مسووح فشارها را از سر برداشته و زیوارش خون مردم ایران با قرار داد های رنگارنگ اقتصاد و اقتصاد متا فاع سودا گرانه خویش را تا مین کند. سرانجام با قطعنامه سیاه مهم مجلس آلمان و روبروشه، در این قطعنامه که با تصویب شد، خویش را به رژیم ایران محکوم شد و از دولت آلمان و از زمان ملل خواسته شد تا برای قطع این خون ریزی ها امکانا تا خویش را به کار گیرند.

برخی دیگر از دولت های اروپایی نیز سباز علی رغم تلاش برای دور زدن رویدادهای خونبار ایران، از برافراشتن احزاب متطرفی تا چارسیه برخی موضع گیری ها شدند. اما این همه نه تنها آثبات کننده دفاع دول اروپا و آمریکا از حقوق بشر در ایران نیست بلکه حتی اوفا کننده مطامع آنها در برخورد با ما له حقوق بشر است.

اکثر دولت های غربی، همان دولت های که بر سر پا زداشت یک جاسوس خودی در ایران با آن کشور و بر سر چگونگی برخورد کشورهای سوسیالیستی با معترضین و چگونگی برخورد رژیم ایران با شخصیت های مورد علاقه آنها، همه دستگا های تبلیغاتی خود را به

صدا در می آوردند و حتی آماده هستند تا در این موارد به خاطر دفاع از حقوق بشر" به محاصره اقتصادی و سیاسی دست بزنند، این بار، در مقابل جناحی ناسی چنین بی باقیه جدا کثرت بیک اظها نظر آ بکی و بی دلیلهما تیک با حقوق بشر بسنده کردند. بوق هسای بی، بی، بی و رادیو آمریکا و غیره گویشند و ... می توانند جناحیات رژیم را پشت پرده سکوت پنجهان کنند. دولت ریگان در دولت های انگلیس، ایالتیا و ژاپن سنگ تمام را در سودا گری با حقوق بشر مسخر گذاشتند. اگر چه وزارت خارجه آمریکا سرانجام ناچار شد در برابر اقدامات اخیر رژیم چیزی بگوید و سر تر از وی عدل به یک باره از جنگ فرشته سنگی فسر و نیافتد، با این همه یک چشمی بودن فرشته عدل عمو سام ایسن بار بیش از همه نمایا شد. بدون شک با بدگفت هیچ دولتی به اندازه دولت ریگان در این حما مؤن ایران به فکر سود سودای خود نبوده است. مگر قتل عام کمونیست ها و مجاهدین و مسلمانان معترضی به استبداد دقیقه زبانی را متوجه مدلمان ضد کمونیسم در جهان می کنند؟ مگر نه استبداد سباز سیاست پر دازان سر ما به داری آمریکا همسواره کمونیست سبزی رژیم خمینی یکی از مهم ترین حلقه های اعتماد دشنا خنده می شود؟ مگر نه استبداد درست در همین زمان با اذن آمریکا و رژیم هسای ارتجاعی گوش به فرمان آن، برخی از اسیسن "مجاهدین" افتنا نه تیکباری را مشایه را علیه برادران ما در افغانستان اعمال می کنند؟ آیا بد زوی حقوق بشر برای دولت آمریکا به واقعیتسی جدی تبدیل شد، بیگمان آن روز خواتد، اما ما امروز تا کنون، برای جناح باز های سرمایه داری آمریکا این حقوق بشر بیشتر تیک ترس سیاسی علیه مخالفان بوده است، متأسفانه نیروی ترقیخواهان نیز در کشور پهنا و را آمریکا هنوز بسیار ضعیف تر از نیروی ترقیخواهان نیستند در اروپا است. همین واقعیت ایگانا تا سودا گری دولت آمریکا با حقوق بشر را افزایش می دهد. بدون شک دولت آمریکا بیش از پیش متوجه خواهد شد که دوران نقض حقوق بشر منجمله توسط وی به پایان می رسد و او نیز ناچار است قدم به قدم از موضع بازی با حقوق بشر و بر چمداری دروغین آن عقب نشینی کند.

متأسفانه برخی از دولتهای سوسیالیستی منجمله

اتحاد شوروی و چین نیز بگونه ای خارج از انتظار نتوانستند ابعاد فاجعه ایران را با زتاب دهندند. نمایندگان اتحاد شوروی و چین درجلسای که به منظور محکوم کردن اقدامات رژیم ایران در سازمان ملل تشکیل شده بود شرکت نکردند. این امر برای مردم ایران به حق دورا انتظار است. برای ما بسیار روشن است که اتحاد شوروی و چین قلبا و عیقا با چنین اقداماتی متزجر هستند. سوسیالیسم ذاتا با چنین تیکباری سرما زش ندارد. انتظار مردم ما اینست که این احساس انزجار نسبت به اقدامات رژیم خمینی علیه حقوق بشر و همدردی با مردم ما مریحا اعلام شود.

نواندیشی و تفکر نوین می توانند در عرصه دفاع از حقوق بشر همه توانایی های سوسیالیسم را بیسان کنند و در این عرصه سترک نبرد سرشتی نوین پیش روی بشریت بگذارند.

کشمورما

در کشور ما سیل خون جاری است. نقشه رژیم برای ادا م قتل عام همچنان در دنبال می شود. جان همه زندانیا سیاسی در طراست و خا تواد ه های زندانیا سرگردان و نگران هر لحظه منتظر خسر ناگوار جدیدی هستند. در چندمین سال صدور منشور حقوق بشر، ایران آماج خدمشتری ترین اقدامات رژیم قرار گرفته است. مردم ایران، ترقیخواهسان ایران، همه زمان های سیاسی مردمی ایران، از همه دولت ها، از همه احزاب، سازمان ها و نهادهای سیاسی و اجتماعی در سرا سر جهان با یاری می خواهند. چنانچا نباید بگذاردند در برابر حقوق بشر، بشریت چنین مورد امانت قرار نگردد. ما نیز از منضمه اقدامات قاطع آسوی سازمان ملل متعهد و همه دولت ها و نیروهای سیاسی، با هر عقیده و مرام او مسلک، برای اعمال فشار جهت قطع خون ریزی هسای هستیم. بگذارد چهلین سال لگرد دورا علامه حقیسوق بشر باگامی نوین ویی پیرا به در راه دفاع هر چه قاطع ترا حقوق بشر تبدیل شود، ایسران همچنان منتظر است.

هجده سال جان بازی ...

است عزم ورزما انقلابی فدائیان خلق را در هم شکنند. ز رفندان و آرمان های انقلابی شان در آن دوران سیا هسکوت ونومیدی امیدهای بسیار نکبخت. موج وسیعی از میان زمین به سوی فدائیان جلب شدند و گروه های کوچک و بزرگ رزمنده با الهام از رزم فدائیان به پیکار علیه رژیم روی آوردند.

میان رزوهایی که فدائیان علیه استبداد شاه و حامیان امپریالیست که همراه با عالی ترین نوع از خود گذشتگی و ایثار بود، در میان توده ها تا شیر جلب کننده ها داشت.

اوچ گیری جنبش توده ها در سال های ۵۷-۵۶ زمینه مناسبی برای رشد سازمان و گسترش فعالیت سیاسی آن بود. هنگامی که توده ها خود به مسابارزه فزاینده علیه رژیم استبدادی شاه روی آوردند، سترک رزمندگان در ارتقا ریک ترین دوران سلطه استبداد، اراج گذاشتند. فعالیت سازمان علیه رژیم ضربات و بیورش های ساواک شاه به رهبری وبه شدت رساندن مدها شان از فدائیان در شرایط تازهرشد جنبش توده های جان گرفت. حضور فدائیان در میان نیروهای روشنفکری و در محیط های کارگری و فعالیت های توده های سازمان امکان داد که به جنبش توده ها پیوند برقرار کرده و بر روند آن به سهم خود تا شیر گذارند. سازمان توانست فرا رسیده تا انقلاب را به درستی و به موقع دریا بدو سیاست ها و تاکتیک های تا شیرخشنده ای اتخاذ نماید. شعار سازمان "مرگ شریکات توری شاه و حامیان امپریالیست" وسیعاً به میان توده ها نفوذ کرد و مورد الهام گسترده قرار گرفت.

موضع گیری های سیاسی به موقع و درست سازمان درقبال تحولات سریع اوضاع و فعالیت تبلیغی گسترده سازمان که به کمک تعداد زیادی از گروه ها و محافل هوا دار با انتشار روایت کثیرا اعلامیه ها و تراکت ها در سراسر کشور صورت می گرفت، تا شیر زیادی دریا لایردن آگاه های سیاسی توده ها و رادیکال کردن خاست ها و شعارهای آنسان و تقویت جنبه های مردمی انقلاب و به ویژه در ایجاد آماجگی و تشویق توده ها به قیام مقرر میداد شد. است سازمان نقش مهم و تاریخی در سلطه شور و ختن قیام میهمان و برپا تیکستن مردم به پیکار مسلحا و تشخیر با دگانها برای سرنگونی رژیم شاه ایفا کرد.

فدائیان خلق طی هشت سال نبرد آشکار و پنهان رژیم شاه قربانی های بسیار دادند. شما رژیم های از اعضا هوا داران سازمان سال ها در زندان های رژیم شاه به سر بردند. عده زیادی از فدائیان در نبرد

مستقیم با مزدوران شاه به شدت آسیب دیدند و سینه های دیگر توسط دژخواران رژیم خنجه و ادا شدند. رژیم جدید که استبداد سیا ه قرون وسطایی خود را تدارک می دید و از رژیم آمریکا زندانیا سازمان ندهی مستقل توده ها وحشت داشت، عدا برای قطع فعالیت سازمان تلاش می کرد. فدائیان خلق با ردیگر در رژیم خون ریز خمینی آماج انتقام خوبی هزار بار رشیدتر قرار گرفتند.

رژیم پلید خمینی زندان ها را مملکتی از کمونیست ها و دیگر انقلابیون و مبارزین و مجاهدین کرد و به حکامت های وحشیانه آنها پرداخت. طی سال های کاخ کیمون ریز اسلامی دهها هزار تن از رزمندگان را از آزادی و عدالت اجتماعا عیا عدا مویسا در زیر شکنجه به شدت رساندند. قتل عام خیبر زندانیا ن سیاسی اوچ دردمش رژیم علیه فدائیان خلق و دیگر نیرو هسای ترقیخواه است.

فدائیان خلق اکنون وظایف انقلابی و مردمی خود را در بدترین شرایط استبداد سوسیالیستی موجود به انجام می رسانند. رزمندگان فدایی در داخل کشور با جرات و شجاعت خود ورق درخشان و حماسی جدیدی بر تاریخ ایثارگری فدائیان افزودند. آنها تنها جری با رزم ورزما آهین فدائیان در راه مردم خویشند. فدائیان در راه میان ملج با بدار و آزادی و سرنگونی رژیم تیکبار خمی نیسی آزادان قریبا تنها هستند. تا زمانی که ارتجاع و استبداد حاکم حکومت می کنند مبارزه سخت و پریخطر است. در راه تحقق آرمان ها و اهداف انقلابی مردمی، در راه امین آذین گام ای انسان ها از هرگونه ظلم و ستمگری و فقر و استعمار، قریبانی داد و قربانی شدن اجتناب نباید آید. فدائیان خلق به امید تحقق آزادی و عدالت اجتماعی رزم خود را پی افکنده و تا تحقق اهداف مردمی خود از مبارزه با زمنیا هستند.

اثر اقدامات دور رژیم همچنان در بلا تکیفی و در بدری به سر می برد.

هر چند که فعالیت ها بی درمورد از سرگیری جدید مذارا از نسوی محافل بین المللی و به ویژه سازمان ملل مستصورت می گیرد و نیز گوجه رژیم ایران طی نامهای از اعضای ادائی شوری امنیت تقاضا کرده است که عراق را وادار به پذیرش مذاکره پیرا مون قطعنامه ۵۹۸ شوری امنیت بکند، اما جریان طوری است که هنوز نشانه ای جدی برای از سرگیری موثر مذاکرات وجود ندارد. زیرا از یک سو رژیم عراق اعلام کرده است: "تا زمانی که امنیت رفت و آمد کشتی های عراقی در آب های خلیج فارس ... تا مین نشود، عراق حاضر به ادا مکفتگوها نخواهد بود". و از سوی دیگر ایران اعلام داشته: "تا زمانی که عراق قیروهای خود را از یک هزار کیلومتر مربع خاک ایران خارج نکند، نه بران امکان هرگونه گفتگوها ی صلح را مردموی داند". طاق عزیز بی ماصحبه ای کدورا وارد ماه سال جاری با روزنه مه فیگ را ونجا م داد، در رابطه با کربلا رست ساحل های شیمیایی توسط عراق، مراحتا گفت: "کشورهای کربلا رست ساحل های شیمیایی مطلقا احساس گناه نمی کند". این در حالی است که محافل خبری جهان خبر از تولید سلاح های میکروبی توسط رژیم عراق می دهند. همه این اقدامات با طبیعتا نشانه های جنگ افروزان هستند. وضعی که اینستک به وجود آمده، این خطر را که ملامت حاصل کرده است که حالت نه جنگ و تم صلح کنونی، تداوم طولانی داشته باشد و مردم میهمان ما و مردم عراق در راه اهداف تیکبارانه هر دو رژیم، تا مدت های مدید دیگر تیز از زندگی در محیط صلح میز محروم گردند.

مردم میهمان ما و هم مردم عراق و نیز تمام بشریت ترقیخواه و سازمان های مسئول بین المللی و کشورهای صلح دوست جهان، خواهان استقرار هر چه زود تر صلح در منطقه هستند. همین چند پیش نبود کد رکنفرا نسی وزرای اموخا رجه کشورهای عضو جنبش عدم تمهید در بدین تیکبار تشکیل شد، کشور هسای شرکت کننده در این کنفرانس تا مین تا لگروم جاسرای قطعنامه ۵۹۸ شوری امنیت تا کید کردند، از این رو علیه غم نیست سران دور رژیم، برای خاتمه دادن به وضع موجود و شکست بیست مذاکرات و استقرار صلح امکانا تا با لقیرو زبانی وجود دارد. مردم میهمان ما و مردم عراق و سازمان های انقلابی و ترقیخواه و صلح دوست و آزادیخواه هر دو کشور با یستی با به کارگیری مجموعه این امکانات تا به پیکار خود در راه استقرار صلح، شتاب و شدت هر چه بیشتری بخشند تا بتوا تندهما نگونه که آتش بس بردور رژیم تیکبار شحمیل شد، صلح را نیز بر آنها تحمیل نمایند.

بقیه از صفحه اول

ارنجا م گرفت. رژیم جنگ افروز جمهوری اسلامی نیز طی این مدت همچنان به بیسیج جنگی ادا مده و جوانان میهن ما را دستة دسته اعزام جبهه های جنگ می کند.

وضع جبهه ها همچنان بحرانی و متشنج است. تبادل اسرا که می با یست طبق توافق قبلی طرفین به طور منظم انجام می گرفت، متوقف شده است. باید متذکر شد که در رابطه با این ساله رژیم ایران، اسرا را وجاهه الصالحه قرار داده و از انجام تعهدات خود در این زمینه سر پا زده تا بدیتوانند از این طریق بر رژیم عراق فشار برپا ورد. بدیسی ترتیب دهها هزار اسیر معلولان ایرانی و عراقی در

کارکنانی رژیم عراق ...

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

اعتراض، اجتماع و تظاهرات علیه قتل عام زندانیان سیاسی ایران

دریافته‌اند.

۱۸ آذر ماه تظاهرات بزرگی دربرابر سفارت رژیم خمینی در آستردام، پایتخت هلند، از سوی ایرانیان مبارز صورت گرفت. این تظاهرات نیز با حمله پلیس هلند علیه تظاهرات بود. از آن دربرابر وزارت خارجه این کشور اجتماع کردند.

شهرهای مختلف آلمان فدرال، گوتینگن، کلن، هانوفر، نورنبرگ و برلین غربی نیز در روزهای مختلف آذر ماه، تظاهرات با اعتصاب غذا و راهپیمایی ایرانیان بودند که با راهپیمایی و دست‌جمعی به‌چشمه‌آنها پیوسته‌اند و با ویخت‌ها بودند. مراکز تلویزیونی، رادیوهای و نشریات مرکزی و محلی آلمان از این تظاهرات و اعتراضات خبر دادند و به‌بخش اخبار راجع به تظاهرات در ایران پرداختند. عده‌گشتری از شخصیت‌های سطح‌سوا و مترقی آلمان از کمیته‌ها، حزب سبزها و سوسیال‌دمکرات‌ها و نمایندگان پارلمان این کشور، نامه‌های اعتراضی به‌سفارت جمهوری آلمان ارسال کردند.

هموطنان ما در آلمان نیز از مرکز شهر کپنهاگ به‌سوی سفارتخانه جمهوری آلمانی راهپیمایی کردند و با صدور قطعنامه‌های خواستار پایان یافتن اعدام‌ها در ایران شدند. مسدود شدن مراکز مخابراتی و تعطیلی مدارس و مراکز دولتی این تظاهرات را زنگ زدند.

«حمیت همبستگی با زندانیان سیاسی ایران» در تریس نیز با اعتصاب غذا و راهپیمایی اعتراضات در مطبوعات اتریش و سیعیا با زتاب یافت.

«به‌دعوت کمیته‌عمل برای زندانیان سیاسی ایران» در قزاق بل در تروزنا مه‌کارا در لندن تظاهرات صورت گرفت. تظاهرات کنندگان با مسدود کردن راه‌ها و اخبار راجع به تظاهرات در روزنامه‌ها، کشورهای آلمان را تکلیف تسلیم کردند. فداان خلق در لندن نیز از روز ۱۹ آذر ماه، اعتصاب غذای ۵ روزه‌ای را در سفارت جمهوری آلمانی آغاز کردند. همبستگی و سیعیا با اعتصاب کنندگان از سوی ایرانیان در مجارستان و یوگوسلاوی نیز صورت گرفت. عده‌ای از نمایندگان پارلمان آلمان و گروه‌های مختلف از اعضای اتحادیه‌ها و سوسیالیست‌ها نیز در این تظاهرات شرکت کردند.

«همزمان با روز جهانی حقوق بشر، اعتصاب غذا بی‌درجه‌ای در سوئد صورت گرفت. تظاهرات و ترفیقا و در محل دفتر سازمان جوانان سوسیالیست در سوئد آغاز شد. احزاب کمونیست، سوسیالیست و دمکرات و کمیته‌سطح این کشور به‌علام همبستگی با اعتصاب کنندگان پرداختند. رادیوهای و نشریات مختلف سوئد اخبار راجع به تظاهرات را وسیعاً با زتاب دادند. تظاهرات در برابر مراکز این شهر با این اعتصاب غذا سه‌روزه بود.

«در اتحاد شوروی نیز عده‌ای از میان حزب سیاسی ایرانی در روز ۱۲ دسامبر به‌دفعه‌ای اطلاع‌تای سازمان ملل در مسکو شروع کرده‌اند. نمایندگان دفتر جهت ارسال به‌آقای خاوریز در دوکوشا را ارائه دادند. آنها در مباحثه‌ها شرکت کردند، جنایات هولناک رژیم را محکوم کردند.

روزنامه‌های آلمان و اتریش و سوئد و سایر کشورهای اروپایی و آمریکا نیز با همکاری گروه‌های مختلف انتشار داده. در بخشی زتاب‌ها و سایر ویریز در دوکوشا آمده‌است:

سیاسی ایران و آزادی بی‌قید و شرط باقی‌مانده زندانیان هستیم.

ما خواستار لغو مجازات اعدام هستیم.

ما توجه به اینکه جمهوری آلمانی به‌هیچ‌قانون بین‌المللی با بی‌بند نیست و با وجود بنجمن با محکومیتش در سازمان ملل به‌خاطر نقض خشونت‌ها و حقوق بشر در ایران، در آستانه‌ها به‌جمله‌ها سالگرد تصویب حقوق بشر، همچنان کشتار می‌کند.

ما از تمام احزاب و سازمان‌ها، دولت‌ها و شخصیت‌های مترقی و تمام بشریت خواستار همبستگی هستیم. رژیم‌های کمونیستی را محکوم می‌کنیم و از اتمام کشتار می‌خواهیم. جهان نباید در برابر این جنایات سکوت کند.

شکست‌کنندگان در اعتراضات فوق، با مراجعه به دفتر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، نامه‌های علیه جنایات رژیم جمهوری آلمانی به این دفتر دادند. در این نامه‌ها از حزب کمونیست شوروی خواسته شد که برای نجات جان بقیه زندانیان سیاسی تلاش نماید.

در اعتراض به جنایات هولناک جلالدین خرمین و کشتار عام زندانیان سیاسی میهن ما، هموطنان ما در آلمان و کشورهای دیگر به‌فعلیت‌های وسیع اعتراضی علیه رژیم دست‌زده، در برابر مردم آزاد و ترقیخواه جهان را از فاجعه عظیمی که بر مردم رژیم‌ها یکنواختی، "زندانیان سیاسی آزاد" با بگذرد، در تظاهرات مختلف دنیا فریاد زدند.

مردم متصدد در دنیا با این قرن بیست و هفتم در شرایطی که برای لغو مجازات اعدام به‌هر دلیل و برای حقوق بشر مبارزه می‌کنند، با حیرت و ناباوری و با درد و اندوه همبستگی همه‌جا نبه‌وگرم‌با خلقی برخاستند که شدیدترین، دلاورترین و اندیشه‌مندترین فرزندان بشر را رژیم‌های فزون‌وفاقی به "جسرم آزاد اندیشی، صلح‌طلبی و ترقیخواهی در گورهای دسته‌جمعی یافتند.

روز دوشنبه ۱۴ آذر ماه تظاهرات وسیعی به‌خاطر اعتراض به قتل عام زندانیان سیاسی در مقابل دفتر سازمان ملل در شهر کراچی پاکستان صورت گرفت. مزدوران مسلح جمهوری اسلامی سواری‌ها را با خود به‌اجتماع کنندگان حمله کردند. رفیق فدایی ما، محمود رفیق‌یکنندی در این کنایت مکرر تروریست‌های حزب‌الله‌جان سپرده‌شده‌های هم‌زمن‌پرستان را، بیش از ۵ تن دیگر از زندانیان کنندگان نیز به‌دنبال این حمله مسلحانه به‌سوی مجروح شدند.

۱۸ آذر ماه به‌دعوت حزب کمونیست هندوستان و حزب کمونیست هند (ما رکتیست)، تظاهرات گسترده‌ای در دهلی نو برای اعتراض به‌کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران صورت گرفت. تظاهرات کنندگان با این راهپیمایی، در مقابل سفارت جمهوری اسلامی اجتماع کردند و هیوان هر دو حزب کمونیست هند با سخنرانی گرم و فداکارانه‌ها به‌دعوت کردند این میتینگ به‌علام همبستگی با مردم آذربایجان ایران پرداختند. تظاهرات کمونیست‌های هند در تمام مطبوعات این کشور با زتاب گسترده‌ها یافت. ۹ دیماه، ایرانیان آزادخواه و خانواده‌ها به‌دعوت در برابر سفارت جمهوری اسلامی در فرانسه تظاهرات پرشوری دست‌زده، کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی ایران، بیانیه‌ای در این اجتماع خواندند. به‌استکراهمین کمیته تظاهرات دیگری در برابر سفارت را دیوگرا نشان ترتیب یافت. تظاهرات کنندگان با پلاکاردها، نامه‌ها و سایر راه‌ها، گروهی فرانسه فریاد می‌زدند: "سکوت را بشکنید، ما در ایران کشته می‌شویم".

۱۹ آذر ماه، یعنی جملین سالروز انتشار اعلامیه جهانی حقوق بشر، در برابر پالتو دوپایه، پاریس که در آن مراسم برای دفاع از حقوق بشر و شرکت دبیرکل سازمان ملل، رئیس‌جمهور فرانسه و شخصیت‌های دیگری شرکت کردند. تظاهرات وسیعی از سوی ایرانیان ترقیخواه برگزار شد. افشاکاری‌های پرده‌مانند تظاهرات علیه رژیم‌ها در پاریس، فرانسه، درگیری پلیس با تظاهرات کنندگان و دستگیری جمع وسیعی از آنها، با زتاب گسترده‌ای داشت. روزنامه‌های فرانسه اخبار این تظاهرات و عکس‌العمل وحشیانه پلیس را منعکس کردند. "اوما نیته" ارگان حزب کمونیست فرانسه نوشت: "سکوت را بشکنید، در ایران قتل عام می‌کنند". نشریه مذکور همکاران پلیس فرانسه با رژیم خمینی را محکوم کرد.

واحدماهی دسته‌جمعی در ایران را محکوم نمود. در ۲۲ آذر ماه به‌دعوت "جا مع حقوق بشر فرانسه" نیز اعتراض به جنایات رژیم خمینی در زندانیان سیاسی ترتیب یافت. کلیه احزاب و سازمان‌های مترقی و تشکل‌های دمکراتیک ایرانی در این گردهمایی وسیع شرکت کردند و در پی راهپیمایی وسیع به‌سوی سفارت جمهوری اسلامی رفتند. پس از تسلیم نامه‌های اعتراضی به‌مزدوران خمینی در سفارتخانه، جمعیت‌ها شعارهای قاطع و فراخوشی و آتش زدن مترسک و عکس‌های خمینی، نفرت‌خویش را از قتل عام فرزندان دلیلی خلق ایران ابراز کردند. ۲۵ آذر ماه در سال سنندگی کا رگبران راه‌آهن پاریس نیز مراسم پرشوری با عنوان "کسب همبستگی با زندانیان سیاسی و بزرگداشت شهدای اخیر" و با شرکت‌های برجسته دمکرات و حقوق بشر از فرانسه برگزار شد. رئیس فرانسه کمونیست‌ها را فرانس در مجلس ملی و کنفدراسیون عمومی کارفرمایان (س.ژ.ت.) با تلگرام‌های اعتراضی به‌وزارت خارجه این کشور، خواستار رفتار دولت ایران برای قطع اعدام‌ها و نجات اسیران

در روزها هفته‌های اخیر، موج اعتراضات جهانی علیه قتل عام زندانیان سیاسی ایران توسط رژیم خون‌آشام خمینی، اوج گرفت و مجامع بین‌المللی، دولت‌ها، احزاب، سازمان‌ها، محافل و شخصیت‌های ترقیخواه و بشردوست، رژیم خمینی را به‌خاطر نقض خشن ابتدایی درین ستروایی حقوق بشر محکوم کردند و خواستار توقف بیدرتک‌کننده و کشتار زندانیان سیاسی و اعمال فشار بین‌المللی به‌رژیم جمهوری اسلامی جهت پذیرش هیات تازسی کمیسین حقوق بشر سازمان ملل شدند. در اینجا نمونه‌هایی از اقدامات اعتراضی علیه رژیم و همبستگی با زندانیان سیاسی و مردم ایران را می‌آوریم:

«قطعنامه‌های پارلمان اروپا: در روز ۱۵ دسامبر، پارلمان اروپا که مقر آن در استراسبورگ فرانسه است، قطعنامه‌ای را تصویب رساند که در آن، کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران محکوم شده و نسبت به‌پایمال شدن ابتدایی‌ترین حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از نجات‌شده‌ها است. این قطعنامه به‌استکار نمایندگان کمونیست پارلمان اروپا تدوین و به‌پارلمان اروپا جهت تصویب ارائه شده بود.

«نامه به دبیرکل سازمان ملل متحد: از سوی فراکسیون حزب سوسیال‌دمکرات آلمان فدرال در بوندستا (پارلمان این کشور) در ارتباط با کشتار اخیر زندانیان سیاسی ایران، نامه‌ای به‌خاوریز شد. در این نامه آمده‌است: ما اعضای فراکسیون حزب سوسیال‌دمکرات آلمان در مجلس آلمان فدرال، نسبت به‌وقایع اخیر ایران احساس نگرانی می‌کنیم. بیرومون کشتار زندانیان سیاسی ایران و افزایش آن، اخبار را شگفت‌آوری به‌ما می‌رساند. بنا به‌اطلاعاتی که از ایران مورد توجه قرار داده‌ایم، تنها در سال ۱۹۸۸ هزاران انسان دستگیر و یا اعدام شده‌اند. دبیرگروه حقوق بشر فراکسیون حزب سوسیال‌دمکرات آلمان در مجلس آلمان فدرال، خطابه به‌دبیرکل سازمان ملل تا کید کرده‌ها جلانه از شما تقاضای می‌کنیم که به‌طور بی‌بسیار به‌نقض حقوق بشر در ایران را مورد توجه قرار دهید. به‌عقیده‌ما این امر می‌تواند با اعزام یک گروه تازسی از سوی سازمان ملل متحد به‌زندان‌های ایران عملی گردد. این گروه اعزامی می‌تواند در محل، موارد نقض حقوق بشر را بررسی کند.

«تلگرام‌های اعتراضی به‌سفارت رژیم خمینی در رم: پس از اعلام خبر کشتار وسیع زندانیان سیاسی ایران، تعدادی از سازمان‌های سیاسی و اجتماعی ایتالیا با ارسال تلگرام‌های اعتراضی به‌سفارت خمینی در رم، خواهان اعدام‌ها شدند. برخی از این سازمان‌ها عبارتند از: حزب کمونیست ایتالیا، فدراسیون بولونیا، کنفدراسیون عمومی ایتالیایی کار بولونیا، به‌سندیکسهای کارگری عمده در شهر فرارا، حزب کمونیست ایتالیا، فرارا، حزب دموکراسی پرولتاریا فرارا، اتحادیه‌های ایتالیایی فرارا، انجمن ملی یارتیزان‌های ایتالیا فرارا، حزب کمونیست ایتالیا جنوا، دموکراسی پرولتاریا جنوا، انجمن بین‌المللی دفاع از حقوق خلق‌ها، حزب سبزها جنوا، اتحادیه جوانان سوسیالیست جنوا، دبیر حزب رادیکال ایتالیا و... سازمان‌ها همبستگی و اتحادیه‌های فوق‌ضمن اعتراض به‌سکوت مطبوعات این کشور، از تریخا رجحان ایتالیا خواستند که سازمان دولت ایران جهت اعزام یک کمیسون ایتالیایی برای بررسی وضعیت زندانیان سیاسی ایران تقاضای روا دیدند. حزب لیبرال ایتالیا نیز به‌صدور قطعنامه‌ها، رژیم خمینی را به‌خاطر کشتار زندانیان سیاسی محکوم کرد.

«اعلام همبستگی احزاب کمونیست و ترقیخواه: یک هیات نمایندگی از سوی سازمان فداان خلق ایران (اکتبریت) که در گنرگروه حزب کمونیست آلمان شرکت داشت، در دیدار با نمایندگان احزاب کمونیست ویتنام، آفریقا، جنوبی، ترکیه، شیلی، اسپانیا، جبهه‌ها را بوندوما رتی آلسالوادور، جبهه دمکراتیک ملی فیلیپین و جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین ضمن تشریح جنایات رژیم خمینی علیه زندانیان سیاسی این کشور، خواستار همبستگی این احزاب با مبارزه علیه رژیم خونخوار ایران شد. نمایندگان احزاب نامبرده، جنایات رژیم خمینی را محکوم نمودند و با زندانیان سیاسی ایران از همبستگی کردند.»

اعتراض آیسو به کشتار زندانیان

هفتمین کنگره سازمان همبستگی خلق های آسیا و افریقا از تاریخ ۲۴ الی ۲۸ نوامبر ۱۹۸۸ در دهلی نوباً بیعت هندوستان برگزار شد. نمایندگان ۸۹ کشور و ۱۰ سازمان در ایس کنگره شرکت داشته اند. مراسم افتتاحیه این کنگره به سخنرانی راجیو گاندی، نخست وزیر هندوستان آغاز گردید. شخصیت های برجسته جنبش همبستگی آسیا و آفریقا از جمله میمانان شرکت کننده در این کنگره بودند. که در این میان چهره های چون سانه جوما، رئیس سازمان خلق های جنوب شرقی آفریقا، "سوابو"، خان عبدالولی خان رهبر حزب عوامی ملی پاکستان، رانا جاندرا رئیس شورای حیفا ملی و... دیده می شدند. نما بیندگان شرکت کننده در این کنگره طی اقامت همبستگی با زندانیان سیاسی ایران، اعتراض خود را نسبت به کشتار زندانیان سیاسی ایران اعلام نمودند.

متن این اطلاعیه به قرار زیر است: رژیم جمهوری اسلامی ایران دختران و پسران پرافتخار مردم ایران را زندانی نموده است. همه جهان آگاهانده که هزاران زن و مرد، دانشمندان، دانشجویان، روشنفکران، شرابازان و مردان وزنان کشور ایران در زندان ها و هزاران نفر تاکنون اعدام یا در سلول های شکنجه گاه ها شهید شده اند. اخیراً در زندان های رژیم جمهوری اسلامی ایران کشتار دستخیز زندانیان سیاسی افزایش یافته است و تعداد زندانیان سیاسی بعد از قبول قطعنامه شانسی از سوی رژیم با طرز وضعیت بحرانی اقتصادی و اجتماعی، رژیم مستعمران زندانیان سیاسی ستقام میگیرد. اکثر کشتار جمعی زندانیان سیاسی بعد از قبول قطعنامه شانسی صورت گرفته است. بر طبق خبر های رسیده، تعداد زیادی از زندانیان سیاسی به سلول های انفرادی برای اعدام منتقل یافته اند. از بابت کشته شدن زندانیان سیاسی، سیاسی با آنها تلویزیون گردهایده است. سازمان ملل متحد و نقویین المللی تاکنون چندین قطعنامه در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی در ایران و برای آزادی آنها صادر کرده اند. جان زندانیان سیاسی ایران در خطر است. صدای اعتراض خود را برای نجات جان آنها رسان رسا تر سازید.

تا مه ۴۰۹ تن از شخصیت های سیاسی - اجتماعی علمی و فرهنگی افغانستان:

خا و پریزده و گوشتی را، دبیر کل سازمان ملل متحد کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد! سازمان عقوبتین المللی!

افکار بین المللی و همه جغرافیای انترپرسی رسا نه های سازمان های بین المللی مطلع شدند که رژیم جمهوری اسلامی ایران با نقض آشکار بنیه جهانی حقوق بشر و با زیر پا گذاشتن موازین انسانی دست به کشتار و اعدام پنج هزار تن از زندانیان سیاسی این کشور زده است.

طبق خبر های سازمان های سیاسی ایران و رسا نه های بین المللی شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی که برای دموکراسی و تنگبختی مردم مبارزه می کنند، همچنان ادامه دارد.

ما شخصیت های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی افغانستان، با مضامیندگان این نامه به دفاع از حق زندگی، دفاع از آزادی و شرف انسانی از شما می طلبیم که در بیان دادن هر چه سریع تر به شکنجه و اعدام مردم جمهوری اسلامی ایران اقدام نکنید. واژسوی کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد جهت رسیدگی به وضعیت زندانیان سیاسی این هیات را اعزام نماید.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد مهاجرین باید آزادانه به کشور بازگردند پیگرد و سرکوب سازمان های سیاسی باید قطع شود

اعدامها ادامه دارد

فهرست اسامی گروهی دیگر از قربانیان قتل عام زندانیان

هر روز اسامی تازه ای برفهرست زندانیان سیاسی اعدام شده، افزوده می شود. تا امروز (اول بهمن ماه) از مجموعه اعدام شدگان نام پیش از ۶۱۵ تن از زندانیان سیاسی اعلام شده و بسیار موردنظر است. قرار گرفته است در شماره قبل نشریه کاراسامی ۴۲۸ تن از شهیدان درج کردید. آخرین گروه از اسامی قربانیان کشتار جمعی زندانیان سیاسی کشور که تا امروز از دست داده است به قرار زیر است.

- ۴۲۹- فاطمه ابدآواز ۴۲۰- حسن ابدآواز ۴۲۱- عیبت ابدآواز ۴۲۲- حسین اذرازا ۴۲۳- زما زندانیان خلق ایران - اکثریت ۴۲۴ - سعید آذرنک ۴۲۵- سید ابدآواز ۴۲۶- دکتر قطب اربوئی (حزب توده ایران) ۴۲۷- ابوبکر احمدی ۴۲۸- حاجان سید ابراهیم ابراهیم (افغانیستان) ۴۲۹- زما زندانیان خلق ایران اکثریت ۴۳۰- مهدی املانی ۴۳۱- زما زندانیان خلق ایران اکثریت ۴۳۲- زما زندانیان خلق ایران اکثریت ۴۳۳- کامشائی مان زرمختگان کردستان ایران - کومله ۴۳۴- احمد انصاری (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت) ۴۳۵- امیر انصاری (سازمان مجاهدین خلق) ۴۳۶- ستار سامانزاد ۴۳۷- خالد بابایی (حزب دمکرات کردستان) ۴۳۸- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۳۹- یحیی کاغذی (سازمان مجاهدین خلق) ۴۴۰- محمد باغبان (سازمان مجاهدین خلق) ۴۴۱- زینت باغبان (سازمان مجاهدین خلق) ۴۴۲- محمد باغبان (سازمان مجاهدین خلق) ۴۴۳- اسامیل بحرینی (حزب توده ایران) ۴۴۴- فریبرز سیدی (سازمان مجاهدین خلق) ۴۴۵- کامشائی ۴۴۶- یوسف سیدی (فرهنگ فدائیان خلق ایران اکثریت) ۴۴۷- امیر انصاری (سازمان مجاهدین خلق) ۴۴۸- سید سوزن (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت) ۴۴۹- سعید یوسفی (سازمان مجاهدین خلق) ۴۵۰- محمد یوسفی (سازمان مجاهدین خلق) ۴۵۱- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۵۲- محمد یوسفی (سازمان مجاهدین خلق) ۴۵۳- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۵۴- محمد یوسفی (سازمان مجاهدین خلق) ۴۵۵- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۵۶- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۵۷- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۵۸- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۵۹- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۶۰- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۶۱- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۶۲- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۶۳- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۶۴- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۶۵- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۶۶- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۶۷- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۶۸- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۶۹- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۷۰- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۷۱- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۷۲- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۷۳- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۷۴- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۷۵- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۷۶- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۷۷- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۷۸- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۷۹- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۸۰- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۸۱- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۸۲- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۸۳- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۸۴- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۸۵- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۸۶- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۸۷- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۸۸- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۸۹- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۹۰- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۹۱- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۹۲- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۹۳- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۹۴- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۹۵- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۹۶- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۹۷- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۹۸- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۴۹۹- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۰۰- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۰۱- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۰۲- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۰۳- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۰۴- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۰۵- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۰۶- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۰۷- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۰۸- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۰۹- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۱۰- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۱۱- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۱۲- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۱۳- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۱۴- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۱۵- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۱۶- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۱۷- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۱۸- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۱۹- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۲۰- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۲۱- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۲۲- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۲۳- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۲۴- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۲۵- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۲۶- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۲۷- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۲۸- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۲۹- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۳۰- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۳۱- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۳۲- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۳۳- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۳۴- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۳۵- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۳۶- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۳۷- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۳۸- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۳۹- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۴۰- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۴۱- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۴۲- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۴۳- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۴۴- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۴۵- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۴۶- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۴۷- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۴۸- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۴۹- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۵۰- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۵۱- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۵۲- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۵۳- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۵۴- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۵۵- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۵۶- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۵۷- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۵۸- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۵۹- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۶۰- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۶۱- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۶۲- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۶۳- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۶۴- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۶۵- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۶۶- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۶۷- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۶۸- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۶۹- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۷۰- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۷۱- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۷۲- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۷۳- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۷۴- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۷۵- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۷۶- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۷۷- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۷۸- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۷۹- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۸۰- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۸۱- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۸۲- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۸۳- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۸۴- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۸۵- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۸۶- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۸۷- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۸۸- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۸۹- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۹۰- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۹۱- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۹۲- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۹۳- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۹۴- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۹۵- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۹۶- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۹۷- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۹۸- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۵۹۹- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۶۰۰- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله)

زندانیان گهرودشت

ما مورین رژیم جمهوری اسلامی می گویند که پس از دستگیری خمینی در مرداد اعدا ماهی اخیر مراد ادهامه، بلافاصله ۵۰۰ نفر در زندان گهرودشت اعدام شدند. ۵۹ نفر از آنها در حضور دیگران به دار آویخته شده اند. قبلاً از اعدام زانین زندانیان برسیده بودند: آبا سلمان، هاشمید، آبا زندانیان می خوائید؟ و در صورت منفی بودن پاسخ، اعدامشان کرده اند. در ماه آبان، عده ای از زندانیان گهرودشت را که تا کزیرا زما زندان شده بودند، لخت و در حالی که دستهای شورت به یاد داشتند، به حیاط زندان برده و آنها را وادار می کنند در ظرف های آب سر به عنوان "آب توبه" استحمام کنند. طوسی ماه های میواریان در حدود ۲۰۰ نفر از زندانیان سیاسی را که دوره محکومیت شان به پایان رسیده و در انتظار دریافت حکم آزادی بودند، به زندان گهرودشت منتقل کردند. سپس در ماه آبان، پس از زندانیان را در سلولهای جمع می کنند و یک یک آنها را استعاضای می کنند و اعلام کرده اند، آزاد شوند. از پاسن تعداد آنها ۹ نفر این شرط را می پذیرند. گفته می یابند که بقیه را در همانجا بذر کبارمسل می بندند.

زندانیان اهواز

یکی از اعدا ماهی دستخیز در اهواز در شب ۸ مرداد اجمام شد. پیش از آن، در روز ۷ مرداد، شخصی به نام مجیب از مسئولان دادستانی همراه با عده ای دیگر، به بند زندان گهرودشت و آنها را بسا چوب و حاق شدیداً مضروب کردند. روز بعد کلیتاً زندانیان را در مسجد جمع کرده و از این میسان عده ای را به بند می بردند و همان شب اعدام می کنند. در خمین خمینی ابتدا مردان را به خارج از سلولها فراخواندند و آنها را به حیاط زندان بردند. در حیاط، سدن از ما موران دادستانی به نام مه های حسیب، برها و شقیعی، زندانیان را شدیداً مضروب کردند و بعضی از آنرا به حیاط بردند و هر دو گروه را تیرباران کردند و اجساد آنها را در کیسه های نایلونی ریختند. یک کمیتری، این اجساد را در حالی که برخی از زندانیان هنوز نیمه جان بودند، بسسه بیابان های پشت گورستان اهواز منتقل کردند. در آنجا تنها چنانا زده و در گودال بزرگی که بسا بولدور کرده شده بود، ریختند و چند روز بعد روی گودال را با خاک و اسفالنت پوشانند. اکثر این زندانیان طی سال های ۶۰ تا ۶۳ دستگیر شده و در حال گذرانندن دوره محکومیت شان بودند.

۹۲- کیوان مهیند (حزب توده ایران) ۹۳- خالد میرابی ۹۴- میرابی (سازمان مجاهدین خلق) ۹۵- کریم نادری (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت) ۹۶- منور نجفی (حزب کمونیستی) ۹۷- فرید مرتضی (سازمان مجاهدین خلق) ۹۸- کامال نظری مقدم (سازمان زرمختگان کردستان) ۹۹- کومله ۱۰۰- سنان نظیر مقدم (سازمان مجاهدین خلق) ۱۰۱- پروانه نورمحمدیان (سازمان مجاهدین خلق) ۱۰۲- صالح نورمحمدیان (سازمان مجاهدین خلق) ۱۰۳- سید نیک نوری (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت) ۱۰۴- هابون نیک پور فرج (سازمان مجاهدین خلق) ۱۰۵- علی نیکنام (سازمان مجاهدین خلق) ۱۰۶- زهره نیکوکیان (سازمان مجاهدین خلق) ۱۰۷- زما زندانیان خلق ایران اکثریت ۱۰۸- کبری روشنی (سازمان مجاهدین خلق) ۱۰۹- اسما علی وطن خواه (حزب توده ایران) ۱۱۰- زما زندانیان خلق ایران زرمختگان کردستان ایران - کومله ۱۱۱- زما زندانیان خلق ایران اکثریت ۱۱۲- طلیل هوشیار (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت) ۱۱۳- یحیی بوزانه زندانیان (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت) ۱۱۴- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۱۱۵- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۱۱۶- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۱۱۷- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۱۱۸- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۱۱۹- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله) ۱۲۰- سوزن سارگان (ارتش فدائیه کومله)

فدایی شهید رفیق حمید منتظری عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان

رفیق حمید منتظری، انقلابی سرشناس و عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، به مدت فتنه ای جنبه پیشه به شهادت رسید. برای آنها که حمید را می شناختند، بسیار کردن این خبر دشوار بود.

آخر چگونگی می توان با او درگذرد که حمید، بسا آن چهره همیشه خندان، با آن شور و حرارت و احساسات با آن تحرک و بی قراری و با آن صفا و صمیمیت دیگر در میان ما نیا شد.

برای آنها که او را از نزدیک می شناختند و با خصال برجسته انسانی او از نزدیک آشنا می بودند، او را به خوبی روشنی بود که با مرگ حمید، جنبش انقلابی و مردم میهن ما نگره گرانی بی را از دست داده است.

حمید در شهر بم به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همین شهرستان به پایان رساند. سپس وارد دانشگاه حقوق دانشگاه تهران شد. سرپرش و روح بی قرار او را و آوازه ای دیگری بود. برای حمید که از سال های دبیرستان تحت تاثیر جنبش فدائیان خلق، با درمیان مبارزه در راه های زحمتکشانه نیا داده بود، دانشگاه به مثابه میدانی برای گسترش فعالیت سیاسی و کوشش راهی و مکانات نویسنده میا زده بود. تحصیلات دانشگاهی حمید دیری نیا شد و توسط ساواک دستگیر شد.

حمید از زمان ساواک را با سر بلندی پشت سر گذاشت و از چهره های مقاوم زندان شمرده می شد. او همراه با او جگرگیری جنبش انقلابی مردم زرنسندان آزاد شد و در باریا بیگرا ن جنبش انقلابی خلق پیوست. در سال ۵۹ در مبارزه با توده های مردم علیه رژیم شاه نقش فعالی داشت و از جمله شرکت کنندگان فعال قیام مسلحانه خلق در بهمن ماه ۵۷ بود.

بعدها زرنسنگونی رژیم شاه، حمید که به نقش کلیدی حضور مستقیم توده های زحمت و کار در مبارزه واقف بود، از موقع نقد "مشی چریکی" به جریان می پیوست که بعدها سازمان را هاکرگر را به وجود آورد و توانا سال ۵۹ مبارزه انقلابی خویش را در صفوف این سازمان را پی گرفت. اما تا میل سوزان حمید به جویند و دردم آویختن با توده های مردم موجب شد که در او و خصال ۵۹ دوباره به صفوف سازمان بیوندد.

سابقه درخشان مبارزاتی، تعهد و فداکاری، تحرک و انرژی حمید همراهمانای برای جنبش سر و وی در امر مبارزه با توده های متوسل و مسئولیت بیشتری به دوش بگیرد و به زودی به عنوان یکی از اعضای کمیته یا لیتی تهران انتخاب شد و مسئولیت سازمانی کمیته تا هیجده گرج را به عهده گرفت.

با تاجا چه همه جا نیز به تفهنا به صفوف سازمان، حمید از جمله کارهای مسئول سازمان بود که برای دفاع از موجودیت و آوازه مبارزاتی سازمان خویش سینه خود را سپرد و نمود و در آن روزهای دشوار تا می توان بی تجربه و انرژی خویش را به کار گرفت تا شرایط را برای انتقال تشکیلات سازمان از حالت نیمه علنی به حالت مخفی فراهم آورد. این دوره از زندگی و فعالیت مبارزاتی حمید را به درستی می توان اوج فداکاری، تعهد، اخلاقیات و تحسین و سرگویی دانست.

حمید که مسئولیت سازمان ندهی و رهبری یکی از گروه های مرکزی سازمان را طی این سالها بر عهده داشت با تلاش شبانه روزی خویش سعی در گسترش دامنه فعالیت و حضور سازمان درجا معسو و سازمان ندهی مبارزاتی کارگران و زحمتکشان داشت. کاری که حمید در این سالها دشوار و خسته کننده به سازمان خویش و جنبش انقلابی زحمتکشان میهن ما انجام داد. هیچگاه از یادها نخواهد رفت و آن روز که خورشید آزادی زحمتکشان در میهن ما طلوع کند، نام حمید نیز در کنار نام مدتها و صدها انقلابی فدایی که با خون خویش درخت انقلاب را با رو کردند، بزرگ داشته خواهد شد.

حمید منتظری، به پاس خدمات و فداکاری ها پیش در پیلو نوم وسیع فروردین ۶۵ سازمان به عنوان عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انتخاب شد.

از حمید که در خرداد ماه ۶۰ از دوام کرده بود فرزندی به دنیا نگار مانده است، شکوفه امید.

اینک قلب داغ و سوزان حمید به دست جلالان خون آثام مخمینی برای همیشه از تیش با زمانه و از این پس دیگر امید و شکوفه چهره رنج کشیده ما خندان بدر خویش را حتی از پشت میله های زندان نیز نخواهد دید. اما امیدها زنده اند و دیر نخواهد بود آن روزی که در باغ خزان زده میهنمان شکوفه های زندگی بدمند.

یادش جاودان و راهش پرده و مباد.

رفیق اسماعیل پور محمدی (حجت) فدایی شهید

کادر برجسته و ارزنده سازمان انقلابی سر تجربه و فداکاری، رفیق اسماعیل پور محمدی، زاده روستای فغان درین روستا در ۱۳۰۷ در خانواده ای زحمتکش و پاکدامن در سال ۵۲ به دنیا آمد. در تربیت معلم را به افت و به زودی در شمار دانشجویان پرشور سازمان نگران جنبش دانشجویی چهره نمود و همچون اکثر فعالان جنبش انقلابی آن سالها، در نتیجه آگاهی و شور انقلابی به هوادار سازمان فدائیان پیوست. رفیق به بیانی که از همان هنگام سازمان خویش و با مردم زحمتکش بیست و نای جان و فدا دار ماند.

رفیق اسماعیل در جنبش انقلابی مردم ایران در سال های ۵۸-۵۷ در کنار مردم پرده سپرد و پس از قیام از سوی سازمان ما مورکادر در محلات و کارخانه های جنوب تهران گشت. او از نخستین مسئولین و بنیانگذاران تشکیلات جنوب تهران بود. در نتیجه استعداد انقلابی او، فداکاری و دلسوزی و توانمندی ها، پیشرفتها و سازمان نشی مدام مسئولیت بیشتری بر دوش او نیا دند.

پس از ضربات سال ۶۲، رفیق اسماعیل مسئولیت بزرگی در جهت سازمان ندهی مجدد نیروهای فدائی در حیطه فعالیت خویش - شرق تهران - به عهده گرفت. و در سخت ترین روزهای نبرد یکی از گروه های مرکزی سازمان در تهران راه دایت کرد. رفیق اسماعیل - که با این نام مورد پیروان مردم زادگاهش و با نام حجت محبوب همه همزمان بود - آنگاه که در سال ۶۵ جلادان خبیثی پورش سراسری به فداشان را آغاز کردند، نقش برجسته ای در کشور کردن کانتال های ضربه دشمن و سازمان ندهی مجدد نیروها ایفا کرد. در تابستان سال ۶۵ رفیق اسماعیل در چنگال جلادان گرفتار آمد. جلادان سخت شکنجه اش کردند ولی نه تنها زیا نه و بندوسیا به حال ونه شکنجه های روحی با سدا را ن جهتم را ده هشتن او را از هم نگهست. او پس از ۲ سال مقاومت در برابر دژ خیمانی نظم حیوانی خلافت مخمینی، با لیاقتی سرودخوان تیرباران گشت.

یادش جاودان و کرامی بساد.

فدایی شهید

رفیق عباسعلی منشی رودسری

رفیق عباس در سال ۱۳۳۸ در روستای سی بالان رودسری به دنیا آمد و در دوران کودکی در در خانواده ای تهیست و زحمتکش گذراند. او از همان هنگام مکتبه برای ادامه تحصیل از روستا زادگاه خویش به رودسر آمد. فعالیت سیاسی علیه رژیم شاه را آغاز کرد. رفیق عباس در سال ۵۷ به دانشگاه صفهان راه یافت و از همان آغاز به صفوف دانشجویان پیوستگی پیوست و در تمام حرکت های توده های سال ۵۷ فعالیت شرکت جست.

در دوره پس از قیام رفیق عباس علی منشی رودسری در تشکیلات صفهان سازمان به فعالیت انقلابی خویش ادامه داد. او از همان هنگام به جهت دقت و دلسوزی و فداکاریش مسئولیت انتشارات را بر دوش گرفت. و سپس در جوانی حفظ آن مسئولیت، به عنوان یک امفیان - تهران نیز فعالیت کرد. رفیق در سال ۶۱ به عضویت کمیته یا لیتی امفهان پذیرفته شد و عهده دار مسئولیت های جدید و دشوارتری گشت.

پس از ضربات سال ۶۲، زندگی مبارزاتی رفیق عباس نیز از مرحله یونینی گشت. رفیق برخورد را ز تحربه چند ساله کار تشکیلاتی و با آنگاه به شور زنده گی، فداکاری و وفاداری به توده ها - به تهران انتقال یافت، زندگی مخفی برگزید و در یکی از گروه های مرکزی سازمان در تهران فعالیت انقلابی خویش را پی گرفت. او در سخت ترین ایام یک شنه نه تنها نیازهای انتشاراتی گروه خود بلکه چندین گروه دیگر را مین می کرد. به گفته یکی از همزمان نشی خانه او قلب گروه بود و وی را موبی قرار در راه نجا موظف یفی که انقلاب بردوش او نیا دده بود جانبا ز می کرد.

در مرداد ماه سال ۶۵ رفیق عباس علی منشی رودسری به همراه خانواده اش به دست جلادان جمهوری اسلامی سپرد. شکنجه ها آغاز شد و اما یافت و لیبی عباس لب گشود. دشمن را از دسترس بی سار سازمان و خلق بی نصیب نیا د. پیدا دگا های دستگاه خلافت خبیثی او را نخست به ۶ سال حبس محکوم کرد و سپس به همراه عده سرفراز و رودخوان دیگر به سوخته تیرباران سپرد.

یادش گرامی بساد.

رفیق حسن دشت آرا (حسن شرق) فدایی شهید

رفیق حسن دشت آرا (حسن شرق) از بنیانگذاران تشکیلات شرق تهران و صنوف بود. او در او خرسال ۵۹ به ناحیه مرکزی انتقال یافت و سپس مسئولیت دبیری ناحیه مرکزی لارا بر عهده گرفت. او و کلاه از جوادیه تهران برخاسته بود و خلق و خوی کارگری داشت. به جهت توانایی و علاقه اش نسبت به مسائل کارگری، نقش زیا دی در نهادت بخشای تشکیلات صنوف به ویژه در ارتباط با فعالین صنفاط و کفاش ایفا کرد.

رفیق حسن پس از سال ۶۲ مسئولیت چند گروه مستقل را بر عهده داشت. او در پیلو نوم وسیع سازمان (اردیبهشت ۶۵) به عنوان یکی از نمایندگان تشکیلات داخل شرکت داشت و یکی از بنیانگذاران رهنمودهای رهبری سازمان به ایجا دیک گروه مرکزی پرداخت.

در یورش سراسری دشمن به فداشان در سال ۶۵، رفیق حسن نیز اسیر شد. او در زندان و شکنجه ها که از چهره های برجسته مقاومت بود و علیه رژیم شاه و شکنجه سیارشدید، تلاش دشمن را برای بی بردن به چگونگی فعالیت تشکیلات نگار م گذاشت.

او رفیقی بسیار متین و فروتن، بسیار رقیق و قاطع بود. شخصیت انقلابی او و همواره احترام دوستانش را بر می نگهت. جلادان رژیم در جریان قتل عام اخیر اسیران انقلابی، رفیق قهرمان حسن دشت آرا را به جوخه اعدام سپردند.

یادش جاودان و راهش پرده و مباد.

فدایی شهید رفیق محمود بهکیش

فدایی قهرمان رفیق محمود بهکیش در جریان یورش های اخیر رژیم به زندان ها شهید شد.

رفیق محمود، انقلابی پر با بقیه، کار مبارز سازمان ما در مشهد تولد یافت و به رزوه سیاسی علیه رژیم شاه را از آغاز کرده ۴۰ یعنی از دوران دانشجویی آغاز کرد. از سال ۵۵ در دانشگاه های فراوان ابتدا به جبهه های فعال جنبش دانشجویی بود. رفیق محمود نخستین بار در سال ۵۱ توسط ساواک دستگیر شد و دوام در ارتباط با نظامات ۶۲ آذری سال ۵۲ بازداشت و به یک سال زندان محکوم گشت.

محمود از همان آغاز فعالیت سیاسی راه سازمان را برگزید و در سال ۵۵ - آن هنگام که تجربه چندساله مبارزه صنفی و سیاسی را پشت سر داشت با سازمان ارتباط یافت. ولی چندی بعد مجددا دستگیر شد و پس از تحمل شکنجه های فراوان ابتدا به حبس ابد و سپس به ده سال زندان محکوم شد. او نیز همچون جمع کثیری از زندانیان سیاسی دوران شاه، در آستانه انقلاب راهی یا فت و پس از قیام فعالیت انقلابی خود را در سازمان ادامه داد.

رفیق محمود پس از ضربات سال ۶۲ توسط جلادان خبیثی با زدا شد و در سال ۶۵ - آن هنگام نبرد در راه های مردم، در کشتار اخیر زندانیان سیاسی، به همراه برادرش رفیق علی بهکیش (از فعالان سازمان چریک های فدایی خلق اسیران انقلابی) تیرباران شد.

با شهادت رفقا محمود و علی بهکیش، خانواده بهکیش ۶ عزیز خود (۵ فرزندی که داماد) را از دست داد.

مردمان ایران فداکاری و جانبا زای ایستاده قهرمانان را فراموش نخواهند کرد. آتشها در راه مردمان و برای آزادی و بهروزی مردم شهید شدند. یادشان جاودان و راهشان پرده و مباد.

چند اشتباه در لیست شهیدان

به واسطه محدودیت شدید امکانات خبرگیری از یکسو و لزوم انتشار سریع و به موقع اسامی شهیدان و هویت سازمانیان از سوی دیگر، در تنظیم لیست شهیدان، منتشره هر کار چندا اشتباه صورت گرفت که بدینوسیله اصلاح می شود:

- ۱- طبق آخرین خبرهای رسیده، نام های زیر جز اعدام شدگان نیستند: ۱- مجتبی سراسری ۲- احمد قویلد ۳- سید حسن حسینی ۴- علی اکبر مازنی بناب ۵- محمود حسن پور - متاسفانه نام آن در کار ۵۹ جزو لیست اعدام شدگان درج گردیده است.
- ۶- ضمن بوزش از این اشتباه جدی، نسبت به خطری که جان این پنج نفر و دیگر زندانیان باقی مانده در زندان های رژیم را تهدید می کند، به همه میهنان و همه مردم و محافل ترقیخواه جهان هشدار می دهیم.



ده سال جنایت ... نیروهای سیاسی، به ویژه سازمان‌های انقلابی و چپ در معرض رعب و وحشت قرار گرفتند، سندیک‌ها و نیز شوراهای کارگری واحدهای بزرگ و صنایع کلیدی منحل شدند، نیروهای واحدهای دیگر نیز به شدت زیر فشار قرار گرفتند، هم‌اکنون ما، گمان‌ها و تشکیک‌های دمکراتیک و توده‌ای اعمال تشکیک‌های دهقانی، کارمندی، دانشجویی، زنان و تشکیک‌های مربوط به فعالیت‌های ملی و مذهبی سرکوب شدند. به‌ویژه فعالیت‌های تشدیدفشار و سرکوب، نقش دستگاه روحانیت در غصب و انحلال قدرت بیشتر شود و چهره گریه‌استیفا آذخوردی آشکارتر گردید، جنسیت...

خانما نسوزان بران، وعراق، در تضعیف جنبش اعتراضی و بی‌مالی شدن توده‌ها و مبارزان دمکراتیک مردم، با بی‌مالی شدن دولتهای و انقلاب بهمن و تقویت تمرکز استبداد آذخوردی، نقش بسیار مهمی داشتند. شکست انقلاب بهمن و زایل شدن دستاوردهای آن قبل از هر چیز از ماهیت استبدادی و عمیقاً فئودالی رژیم ولایت فقیه ناشی شده است. دوره ده ساله رژیم جمهوری اسلامی مشحون از سیاه‌کاری‌های تاریخی عملمکردها و تبهکاری‌ها در تاریخ سیاست ما است. مروری بر آنچه که در آن رخ داده است، حکومت جمهوری اسلامی ایران ما گذشته و بستر مردم‌نخوردیده و آزاردهنده است، می‌تواند دستور پرخطر و خطراتی را از چهره‌گریه‌های بهمن رژیم آهریمینی در دهین سال حیاشناسی باشد:

اختناق و آزادی کشی: آزادی کشته‌ها از ارجمندترین مآج‌ها و دستاوردهای انقلاب بهمن بود، پیش از همه و پیش از هر دستاورد مردمی دیگر، مورد مطالب اول بر برمنشاست که تا کنون جمهوری اسلامی قرار گرفته و به غیرانسانی‌ترین شکل ممکن لگدکوب شد. مردم درهای زندان‌ها را گشودند تا زندانیان سیاسی آزاد گردند و بازداشت شدند، شکنجه و آزار به‌خاطر طریقه فکرمندی

با این نگرین، رژیم، در نخستین روزهای پیروزی انقلاب به مردم وعده داده بود که زندان‌ها و این راهبه موزه تبدیل کند، اما نه تنها زندان‌ها به موزه تبدیل نشد، بلکه همه آزارها و تشویش‌های ضدبیماری تفتیش عقاید و شکنجه‌های مطلقه و سلبی را از موزنتا ریخته‌سیرون کشید و بر جان و هستی مردم آرمود، نه تنها زندان‌ها به موزه تبدیل نشد بلکه سراسر ایران به بازداشتگاه‌های همگانی، شکنجه‌گاهی مخوف و گورستان‌های عظیم تبدیل شد. رژیم خمینی زندان‌ها را نه به موزه، بلکه همه زندان‌ها را به آردوگاه‌های مریک بدل کرد.

ارگان‌های اطلاعاتی و سرکوب به‌مراستما سبب گسترده‌تر آزدوران رژیم پهلوی، متشکل از اعقاب مانده‌ترین و شرورترین عناصر حزب‌اللهی سازمان داده شد. مزدوران خمینی هم‌کاران، اعمال زکارانه و آزاردهنده، دانشگاه‌ها، کالج‌ها و گورخانه‌ها، کشتور، قرقگاه‌ها کمیت مطلقه فقیه‌شد و روح و اختناق، سرکوب و کشتار، چنان با لاکرت کهنه‌تنه‌تنه‌تنه کمونیت‌ها و نیروهای انقلابی و دمکرات، بلکه نیروهای پیرامون رژیم و پیرامون نزدیک، و میریدان دیروزین‌شان را نیز قربانی کرد. آخرین نمونه جنایت رژیم، قتل‌عام روحیان و روحانیان پلانده و موزنتا زندانی‌های سیاسی کشور است. این کشتار عامنه تنها یک فاجعه ملی بلکه فزونی‌ترین فاجعه‌ای بشری است. این درجه‌ها زقاوت و درنده‌خویی در تاریخ معاصر ایران بی سابقه است. این تبهکاری گرسنه ناقض ابتدایی‌ترین و بدیهی‌ترین اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر است، نفرت و انزجار جهانی را نسبت به این رژیم‌دمنش و آزادی‌کش تشدید کرده است.

چنگ: رژیم خمینی نه تنها سبب آزادی کشی بلکه مظهر جنگ طلبی نیز است و این از شوینیم‌ها سلامتی‌ها کم‌برمواضع رژیم‌ناشی می‌شود. پس از هشت سال کشتار و فسادشن زندگی بیش از ۱ میلیون انسان در دژ و کشور برپا در رفتن صدها میلیون‌ها در دژ و کشور ویرانی‌ها هزاران روستا، دهه‌ها شهر و صدها کارخانه و کارگاه، سرانجام ما شین جنگی رژیم‌بهدل نشست خمینی زینفسار مردم ایران و نیروهای صلح‌دوست جهان، بدانوسو در آمدونا گزیرا زیندیرش آتش بس گردید. طی این هشت سال بیش از نیمی از بودجه کشور صرف جنگ و ارگان‌های سرکوب رژیم شد، آقتما دکشاوری متروک شد، ۲۵ درصد روستاها از گنه‌خالی شد. صدها کارخانه را کدشود و صدها هزار کارگریکرا شدند، اصلاحات ارضی متوقف شد، آزادی‌های سیاسی، حقوقی، دمکراتیک مردم، حقوق کار و رومه مطالبات عدالت خواها نه مردم ضایع و لگدمال شد، بی‌برنامگی، کسری شدید بودجه، تمرکز سرمایه‌های نجومی در دست کارکن تجار و نفروشر، روزی توده‌های مردم و آوارگی میلیون‌ها هموطن ما، از عوارض فلاکت‌بار این جنگ اهریمینی بود، تبهکاری و خودکامگی خمینی خون آثم آنچنان آئیزبود که حسنی وقتی که ۵۰ میلیون هموطن ما صدها میلیون مردم صلح‌دوست جهان خواستار قطع جنگ بودند، و پذیرش

صلح را با نوسیند زهر لاهل یکی شرد. ادا معجنگ بزرگ ترین جنایت رژیم خمینی در حق مردم ایران و علیه دستاوردهای مردمی انقلاب بهمن بود.

بیکاری و پایمال شدن حقوق کسار: بیکاری، طی ده سال حکومت جمهوری اسلامی به نحو بی سابقه‌ای گسترش یافت و تاکنون کمترین میزان آن از هموطنانمان نگردید. مطابق برآوردهای آماری رسمی رژیم در سال ۶۷، از ۱۲/۵ میلیون نفر جمعیت فعال کشور، حدود ۳۲٪ مشمول شرایط بیسرکوبی کم‌کار رند (یعنی گرفتار بیکاری یا بیثباتی) اما می‌خصل حادثتر و مهمتر از مسالسه بیکاری، بیثباتی و افزایش فعالیت بخش‌های انگلی و کارهای فعالیت‌های تولیدی و صنعتی، سال‌های بیکاری و بیثباتی و آشکارا حدود ۴ میلیون انسان است. هر سال ۳۰۰ هزار جوان به‌بار زارگوارومی شوند. رژیم طی این ده سال نه تنها برنامهای برای تأمین اشتغال این سده میلیون انسان نداشت بلکه صدها هزار تن از کارگران و کارمندان شاغل را نیز از طریق با زحیداجباری، بازنشستگی زودرس، و بیای اخراج مستقیم و بدون پرداخت‌های کمترین غرامت، بیکار نگردد است. جنگ و سیاست‌های فزاینده و فزاینده‌تر فئودالی رژیم خمینی عوامل اصلی ضایع شدن حقوق کاربه‌ویژه حقوق اشتغال و زحمتکشان بوده است. اما فزاینده‌تر از حق کار، رژیم‌ده سال است که با توسل بسه انواع خریه‌های شرعی و پلیدی علیه تنسنتسنتسنتس توده‌های توده‌ها، قانون کار جدید، توطئه‌گری کرده و مانع تصویب قانون کارری دمکراتیک به‌جای قانون کارمندان‌ناشی شود. قانون کار در کشورخواست اصلاحات ارضی و ملی کردن بازرگانی خارجی یکی از سارکن اصلی مطالبات عدالت‌پژوها نه مردم ایران در انقلاب بهمن بوده است و کارمندان رژیم خمینی در این عرصه نیز به‌خاطر ملاً بلکه تنها تولا نامش علیه اراده کارگران، سیاه است.

گرانی: گرانی یکی از عقبه‌ها و نرخ بازیبنده گسترش قیمت‌ها نیز از زرد آذخوردی رژیم بوده است که مدافع پرورنده کلان تاجران و بزرگ سرمایه‌داران است. در پرتوی سیاست‌های ضد مردمی رژیم، به‌ویژه بر سر جنگ، گرانی و تورم به نحو بی‌سابقه‌ای تشدید شد. سفره زحمتکشان از اوراق نسی شود و مقابل، کلان تجار و کارگرو کور شرورت ندوختند، کاهش قیمت نفت و تقلیل درآمد ارزی با افزایش مطالبات بردار مردم (به‌ویژه مزد و حقوقی به‌گیران) و اجابت‌کسانی بدون پشتوانه همرا شد. قیمت‌ها به‌طور مداوم افزایش یافت و نرخ تورم، حتی طبق آمار رسمی استو لپین رژیم، به ۳۵ درصد رسید.

بهرمان ممکن: یکی از عقبه‌های مهم مبارزات مردم‌در انقلاب و سال‌های بیثباتی آن، تالی‌سرای غیرقانونی کردن تجارت و بیسورس بازی زمین‌های شهری و احتکار زمین بوده است. مبارزات مردم‌در دوران‌های توده‌ای به‌ویژه نشا و نی‌های ممکن کارگری و کارمندی جهت تأمین زمین‌های بیگان و تسهیلات لازم برای ایجاد مسکن مناسب و تلاش برای کاهش بلادرنگ اجاره‌های ممکن و کسب حمایت از حقوق و منافع تاجران، از دیگر عقبه‌های مبارزه مردم‌در راستای حل به‌بهرمان ممکن بوده است. اما سران جمهوری اسلامی نشه تنها با این مبارزات انقلابی همگام‌نشده، بلکه در بسیاری موارد حتی آلودگی‌ها را نیز به‌جای نه‌های واهی برسرکاشین آن خراب‌کردند (تخریب سب خانه‌های مردم در مناطق شهری، قلعه‌خین و خانه‌های جاده‌نظمی یا ازمی حملات). امروز زمین مسکن (آجارخانه) بیش از ۵۰ درصد درآمد مسکن مردم را می‌بلعد. در جمهوری اسلامی آنچه که ساخته می‌شود توسعه‌ی بی‌بدهنه ممکن بلکه کلیتاً با دها‌های حاشیه شهرها است. مطابق گزارش مرکز آمار ایران، تعداد پروانه‌های ساخت‌مانی ما درنده توسط شهرداری‌های کشور در سالهای اخیر روند منفی داشته است. به‌طور مثال از سال ۶۳ تا ۶۵ از ۱۵۲ هزاروازه کمتر از ۱۲۴ هزار رسیده یعنی حدود ۳۰ هزاروازه کم شده است. تعداد واحدهای مسکونی ساخته شده در سال ۶۴ به انداز نصف واحدهای ساخته شده است که در سال ۵۶ ساخته شده، حال آنکه جمعیت کشور و نیاز به مسکن طی این هشت سال به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. دراعتماد به‌کارها اعتبارات تخصیص

بیا فته‌بخش دولتی مسکن در جمهوری اسلامی، روزنامه‌ها، زمین نچین نوشده است: «سهما اعتبارات بخش دولتی مسکن در بودجه سال ۱۳۶۰ بیسیشت از ۶۷ میلیارد ریال بوده، این سهم در سال ۱۳۶۵ به چیزی کمتر از ۲۸ میلیارد ریال کاهش می‌یابد» و علاوه بر این در سال ۶۶ به کمتر از ۱۴ میلیارد ریال می‌رسد. یعنی اعتبار بخش دولتی مسکن در سال ۶۶ به یک پنجم سال ۶۰ کاهش می‌یابد.

مسالسه زمین: اصلاحات ارضی بنیادین از طریق واگذاری اراضی زمینداران بزرگ و اوقاف، به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین واچسناد و گسترش نشا و نی‌های تولیدی در بخش کشاورزی، از آنجا که‌های اساسی انقلاب بهمن بود، جنسنتسنتسنتسنتسنتس در حقیقت در جریان انقلاب و پس‌از آن دریا سیران راه رژیم‌ده ساله دستاوردهای انقلابی گرانقدری دست یافت. اما خمینی در همان ماه‌های اول آغاز جنگ فرمان متوقف‌کردن واگذاری زمین رواسا در کرد. خمینی با ادا معجنگ، هم‌فرزندان دهقانان راز آنها گرفت و هم‌زمین‌باشان را.

انحطاط فرهنگی: تبهکاری و جنایتی که رژیم‌اجتماعی آذخونده در حق فرهنگ و ادب سرزمین ما طی ده سال اخیر کرده است، آنچنان سنگ‌آزمین و فاجعه‌بار است که از جنایات جنگ‌های رژیم‌و قتل‌عام‌زندان‌ها نیز بی‌سیاستی و کسری کم ندارد. صدها هنرمند، از جمله فرزندان فرهنگ‌ساز و سبز به روحتا ترمودما، هزارها مخراب‌تر از تویخانه صدام و میباران شهرها بوده است. آرمان انقلاب هرگونه تبعیض در حق تحصیل بر اساس عقیده، جنسیت، ملیت و دین، گسترش موسسات آموزشی عالی، تأمین آزادی فعالیت نویسندگان و هنرمندان و کاروان‌ها و انجمن‌های آنان، تأمین شرایط لازم برای شکوفایی هنر و فرهنگ ایران و آماج‌های آموزشی و فرهنگی دیگر بود. اما حکام جمهوری اسلامی، خودمظهر و تحرو انحطاط فرهنگی و چندصورتش آن است که چرا به دست این جماعت «هتروا رشتاد، جادوشی ارجمند».

تبعیض در حق زنان: در رابطه با وضعیت زنان و حقوق اجتماعی آنان، نیروهای انقلابی و شرقیخواه‌ها به اطلاع‌توضیح برابری کامل حقوق زن با مرد در جامعه و تأمین تضمین مشارکت کامل زنان در تولید اجتماعی و در اداره‌های دولتی و خصوصی خود را ایجاد تشکیک‌های دمکراتیک برای دفاع از حقوق خود کردند. اما رژیم ارتجاعی ولایت فقیه نه تنها به حق زنسنان در برخورداری از حقوق اجتماعی برابر با مردان گردن نداشت، بلکه به‌شدت انگیزترین اشکال ممکن، زنان را مورد تحقیر و اهانت قرار داد. نحوه تلقی و برخورد رژیم خمینی با مسالهن زنان، یکی از سیاه‌ترین صفات کارمندان مده‌ده‌ها ل جمهوری اسلامی است.

مسالسه ملی: حکام جمهوری اسلامی در برخورد با مسالسه ملی و رفع تبعیض سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین خلق‌های ساکن کشور از همان نخستین سال‌های پس‌از پیروزی انقلاب، تشکیک نظری سیاسی و تشعب‌آخوندی خود را به‌نامایش گذاشتند و به تعرض مسلحانه به گردستان و تشدید ستم ملی، مذهبی و فرهنگی علیه خلق‌ها و اقلیت‌های ملی و مذهبی کشور، بنفای ملی را بیش از بیسیشت

به‌سیاهه عملکردهای فئودالی رژیم خمینی طی این ده سال، می‌توان ده‌ها و صدها جنایت و جنایت دیگر افزود، از ترویح و گسترش اعتبار دولتی‌ها در جامعه گرفته تا رشوه‌خواری و اختلاس در دستگاه حکومتی، از وضعیت نا‌سازمان‌بهداشت درمان، تا مین اجتماعی و ورزش گرفته تا سیاست‌های اما جراحی‌ناچگون و آمیزمبتنی بر صدور تروریزم اسلامی و تعیین سرنوشت برای دیگر ملت‌ها، همه عرصه‌ها و عناصر همه‌پیوسته یک سیاست، بیسک اندیشه و یک نظام است. نظام مبتنی بر ولایت فقیه، نظامی که بر شاه‌پور و جهل و نفقار است، تمام سنی ارزش‌های اصیل انسانی استقرا ریا فته‌و کارنامهای آنچنان سنگ‌آزمین و فاجعه‌بار است که از خود به‌جای گذاشته‌گوشه زایل کردن تبا‌های ما منگستران جزیا فرسود با شاندن کلیت ارکان آن میسر نیست

هم می‌فشان!
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) برای پیشبرد مبارزه انقلابی، نیازمند کمک مالی فوری شماست.
رتقا و هم‌زمان!
به هر شکل مقتضی و از هر طریق که می‌توانید، سازمان تان را برای دیدیم، با استفاده از هر امکانی که در اختیار دارید و با بهره‌گیری از همه ابتکارات ممکن کمک‌های مالی خود را به سازمان برسانید.
کار، کمک‌های مالی را به‌واسطه حساب‌های مشخص کننده، در ستون کمک‌های مالی رسیده، درج می‌کنند.

پیام حزب دمکراتیک خلق افغانستان

به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رفقای گرامی،

با درود و درخساری بسیار خیرشادت رفقای دریابند توده‌های فدایی و سایر یزیدانان سیاسی را که اخیراً در زندان‌های جمهوری اسلامی ایران با نقض صریح اصول و ارزش‌های منشور دین‌شورای زمان ملل متحد، اعلامیه‌های حقوق بشر و موازین تمدن بشری اعدام گردیده‌اند، دریافت داشتیم. کمیته مرکزی حزب دمکراتیک افغانستان همه‌ا عسای حزب ما و تمام نیروهای مترقی و صلح‌دوست جامعه افغانی خود را در این غم‌روشنی غم‌انگیز شریک می‌داند و ما را تسلیت و همدردی خود را به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به همه رفقای ایرانی و خانواددهای با شما تنگداری رفقای اعدام شده بر زمین دارند.

این اعدام‌های گمراهی‌آمیز زمانی صورت می‌پذیرد که تراژدی جنگ طولانی برای درکشی ایران و عراق که غم‌انگیز و تراوان جانکا هوای ایرانی‌های عزیز می‌داند، عاقلانه می‌بود اگر رهبری جمهوری اسلامی ایران با درس‌های فراوانی که از گذشته گرفته شده می‌توانست و با در نظر داشت رنج بیکرانی که مردم ایران سالها است آن را به دوش می‌کشند، نه کشتار بلکه راه‌های زندان‌های سیاسی را در دستور روز قرار می‌دادند و به حیثیت و کرامت انسان احترام می‌گذاشتند، ولی آنها متأسفانه راه بی‌سرنجام را در پیش گرفته‌اند.

تاریخ مبارزات قهرمانانه و شجورانه از افتخارات مردم ایران با رها نشدن نموده که ظلم، بی‌عدالتی، اختناق و زندان، شکنجه و اعدام نمی‌توانند نودنخواه توانستند راه مردم افغانی را برای دستیابی به دمکراسی، عدالت و برتری در هم شکنند. با باور به اینکه اقدامات هماهنگ همسایه‌های سیاسی ایران می‌توانستند از اعدام‌ها جمعاً اعدام‌های ظالمانه و غیر انسانی جلوگیری کند. ما صدای رسامهستی‌خویش را با شما اعلام می‌داریم اندیشه، روان، احساس قلب و وجدان انسانی حکم می‌کند، منابع و مصالح امر صلح، امنیت و عدالت می‌طلبد تا جامعه بین‌المللی برای متوقف ساختن کشتارها و اعدام‌ها در زندان‌های ایران به اقدامات متوسل و قوی دست زند. ما همداستان شما رفقا از جامعه بین‌المللی می‌خواهیم تا بی‌درنگ در این جهت تمام نیروها و امکانات خود را به کار آورند. ما صدای رسامهستی‌خویش را با شما اعلام می‌داریم و هرگونه عمل خلاف صلح و کرامت انسانی را محکوم می‌دانیم.

— درود با دستان‌هایی که به خاطر سعادت و آزادی انسان برای مقدس‌ترین آرمان‌های انسانی بی‌هراس می‌رزمند، درود بر روان پاک شهدای گلگون گمشده ایرانی

— درودهای گرم رفیقان حزب دمکراتیک خلق افغانستان
دسامبر ۱۹۸۸

یاد شهیدان توده‌های گرامی باد!

در میان اسامی شهدایی که تاکنون به دست آمده است، رزمندگان مفوق حزب توده ایران بسیارند.

جان‌نیگا را تعداد زیادی از رهبران، نا دره‌ها و عسای حزب توده ایران را کین توزانسه و بیجان نکشتند. در میان شهدای حزب از جوانان تا انقلابیون سالخورده و بی‌تجربه به چشم می‌خورند. رژیم ناهنجار که بود اعدام گردید، تقریباً همه رهبران حزب توده ایران و همه کارهای با سابقه وفادار حزب را اعدام کردند.

بشریت‌خواه در حیرت از این وحشیگری‌های سابقه‌است و اقدامات رژیم را با نفرت محکوم می‌کند. بسیاری از توده‌های اعدام شده چهره‌های برجسته و مقاوم در زندان بوده‌اند و همه از خون‌های حشیا نهر رژیم را دلیرانه پاشیدند و سرفراز بیرون آمدند. از آن جمله شهید توده‌ای امیر هوشنگ باظمی به نامی سمبل آزادی‌یاری و جان‌نیگاری بین شهیدان بود.

با داوره قهرمان توده‌ای رفیق شهید میرهوشنگ باظمی (نیک‌آئین)، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران:

صدای درخشان قهرمان است آن کس که مردن در نبرد مدافعان و جان‌فشان این نظام فاسد را بر مردن با مرگ تدریجی یک گذران منگوب، مطیعانه و بربده‌وار مرصع شمرد (لنین)

نامش سزاوار زندگی بود، نیک‌آئین، آئین یک دفاع از مردم و آزادی، آئین نیک‌پاینداری در پدما مردم‌دوستی، آئین نیک‌انگاری و ایامردی، این بود راه ورسم نیک‌آئین. درود به و که در شکنجه‌گاه شیطان، کوه مقاومت بود، هیچ‌گاه رجوع از نه‌های خون آلودا میرنگزید. با با همای خمی، استخوان‌های شکسته، و زخم‌های باز ایستاد همدرد "تارسلش را به پایان ببرد.

اورا می‌بینم که در راه‌های کمیته‌ها و این با تانت و استواری رزمی بود. اورا می‌بینم که شوق رفقا در مقام و ایستادگی است. اوست که با حترامو اعتقاد به آمان بزرگ اش دشمنان را ی‌گوید. امیراست که با ایستادگی و پیذیری مرگ در داغ ننگ و تبا‌هی بر چهره‌های زینت اوست. در کناره‌های مرزهای در کناره‌ها نوش و صدمه در کنار پرمانا نه توده‌های روزبه، تیزی، با قرآده و... آنچه‌ها ای گشاده‌مشتی گره‌گردد ایستاد است. رفیق نیک‌آئین شخصیتی قوی، انسانی و پریان داشت. بیشتر از خاصا ثل برجسته انقلابی‌اش،

اعتراض منتظری به کشتار زندانیان

قتل‌عام مبعوثان دگرا نه زندانیان سیاسی بران که خورشاد اعتراض‌ها را برانگیخت و رایای نفرت بشریت را به سوی جهان را نرسوزید، در سرانجام چنین خیمینی را نیز به اعتراض داشت. منتظری که خود در جریان تشکیک‌های رژیم خمینی داماد، شوه سردفتر، مشاور سیاسی، رشک مخصوص و وعده‌دیگری از نزدیک‌ترین کسان پیش‌را از دست داده‌است، بنابه‌گزارش مطبوعات خشم‌سرمه در غرب، در نامه‌های گشاده‌گشای کشتار زندانیان سیاسی ایران مخالفت کرد. مقامات جمهوری اسلامی تاکنون در تائید یا تکذیب انتشار این نامه‌ها و کوشش رسمی از خود نشان نداده‌اند. منتظری در نامه خود تائید می‌کند: "از زمان قبول آتش بسیل خون در ایران جاری شده است و در بسیاری وارد زندانیانی که به دلیل جرم کوچک سیاسی و ران محکومیت خود را سپری کرده‌بودند در شرف زاددن بودند، به‌خود اعدام سپرده‌شدند. منتظری را این نامه گفته‌است: من مخالفت عمیق خود را با این اعدام‌های بی‌رویه اعلام می‌دارم و مطمئنم اگر کم‌کم اکثریت ملت ایران در این مخالفت شریک شدند.

اینکه کسی از میان حکومتیان بی‌وجدان پیدا و دکه تشکیک‌های خمینی - رفسنجانی را مورد انتقاد قرار دهد، به‌خاطر توجه برانگیخت است. منتظری که وادار زینت‌نگاران جمهوری اسلامی و حامیان برجای خمینی است و به همین اعتبار به‌جا نشینی ولی فقیه "گزیده‌شد، اکنون درگیر نبرد قدرتی سرشاردیبا رفسنجانی است. منتظری که ده‌سال

بیشتر از دهه‌ها و معلومتش، چهره انسانی و شریف او بود که می‌نمود. انسانی متواضع و فروتن، دلسوز و دوستدار مردم و عاشق حزمش بود. برکنار آرا و بر شوهر و مؤظف، این جان کلاد را به نیک‌آئین است.

هوا را ز میان جرت به تله می‌گفت. هرگز می‌داد که با رنگ یا رودبار، می‌گفت، با زاندم که تن به خاک و تن به پایار، مرگ با جان و دل پذیریم تا در میان خاک میهن‌های گرم. آنچه را که می‌گفت می‌کرد و کرد. این از خصا نیک‌آئین بود.

به زندگی و خانوادش عشق فراوان داشت. این عاشق زندگی و دوستدار مردم دور از همسرو فرزندانشی، زبست، عکس‌های آنها را همسواره همواره داشت. روی میز عکس پدر و برادرها را طاق اش عکس بزرگ خسرو روزبه قهرمان ملی ایران بود. جندی قیل از دستگیری آن‌ها که توسطه‌های ساواک خمینی در یورش به حزب توده ایران حدوداً آن‌ها شده بود، امیر سخت‌نگران بود، شمس‌قوی سیاسی او از ابعادا چه خبر می‌داد. می‌دانست که بر سر مردم و انقلاب چه خواهد رفت. آن روزها می‌گفت: "یک با دروا تویوس واحد هنگ می‌کند به فکر فاجعای که در کمین است فرورفته بودم، با اختیار های گریستم، مردم‌ها و نگر بسته بودنتد و تصور می‌کردند عزیز را از دست داده‌است. بی‌مرد زحمت‌گفتی درکنار می‌نشیندی می‌گوشد و آرام‌گند. امیری کشکبک را به ربه‌خود، مده و وفه می‌دم که مردم با ما هستند و قاضی نهایی آنها بند. رفیق نیک‌آئین بسیار بر رفتار مردم متکی بود. تجربه و در سبهای شکست‌های ۲۲ و پس از آن را با شما موجود است اوخته بود و آگاهانه به کار می‌گرفت.

امیر سراپا دانش و عاقل بود. در هنر و ادبیات سر رشته داشت. در محافل دوستانه به‌ذله‌گو و خوش‌مشرب بود. رفقا از زندان می‌گفتند: وقتی انوش را کشند، امیر تنها شده بود، کلافه بود از این که زندان‌هاست به‌جند ان خرسند، برای ما می‌فرستاد که با انوش بودم و قهرمان بود. با انوش و همسایان در زندان روحیه می‌آفرینده بود و حترام می‌کردند. اراده‌اش بر دژ خمیان و شکنجه‌گران پیروز شد. دشمنان مردم را تحقیر کردند.

بعدها هنگامی که با جدنا بیت در زخمیان خیمینی حلاله در زندان‌ها افشا شود، دیکستان به پای میز جنا که خلق کشیده‌شوند، قهرمانی‌های این مردان بزرگ با شما عظمت و بزرگی رفسنجان خواهد شد.

رفیق نیک‌آئین رفیق ما دشمنان مطلع بود، کتب و آثار زیادی از او به‌جا مانده‌است. در دوران مبارزات خوب او موخته‌گرا کرده بود. با لیا در ادبیوی بیک ایران قلم زده و گفتار خواسته بود. سال‌های آرسن را نیز آگاهانه و هدفمند گذراند. آن‌ها که رسالتش را بپذیرد، ایستادگی بود، استوار ایستاد. او افتخار بر او، ایستاد و خاطره‌های گرامی با باد.

عمر جمهوری اسلامی، علیرغم توصیه‌های در مورد ضرورت برخی تعدیل‌ها در قبال نیروهای سیاسی و زندانیان، هرگز به تنهایی به خود جرات نداد "مصلحت" نداشت که علیه همه خونریزی‌های کلای آشکارا بر زمین آورد، بلکه در غالب موارد با خمینی هم‌صدا شد و خصوصاً آنجا که به کشتار و موثرترین نیروهای ترقیخواه می‌رسید، نظراتش تئید می‌شد. او حتی به‌سود "امام" بر اعدام‌های هاشمی سردفتر خود تئید می‌کرد. اما در جریان تشکیک‌های اخیر خمینی - رفسنجانی خوبیا رخون تا در خانه‌های ایشان امتداد یافت و ضرب‌های سنگین بر او وارد آورد. او که قبل از این تا بظرف‌دهنتی‌های ولایت فقیه علیه سایر نیروهای سیاسی بود، این بار می‌بیند که نزدیک‌ترین یاران خود نیز آماج همان دهننتی‌ها قرار گرفتند. منتظری خود مدتی در زندان‌ها تا بوده است و بسیاری از سایرین اعدام‌شده‌ها می‌نمایند. او قهرمانی کمونیست‌ها و مجاهدین اعدام‌شده‌ها دیده و می‌داند که ایران در برابر شهیدان خود سگت نخواهد داشت. کشتن سعید سلطان پور و سادات، کشتن انوشیروان لطفی و مه‌رانا شهاب‌الدین، کشتن ابوتراب باقرآه و هیبت‌الله معینی، کشتن هزاران فرزندان و همسایگان آنها بین میهن به خون تشیده می‌پاشد و خواهد آمد، بوآنکه بتوانند بعد از این وادار با زیا سخ ایران به خودخواهد لژیوم. اعتراض علیه منتظری به‌قتل تمام اخیر نشانی از نشان‌های زلزله‌ایست که ایستادن تشکیک‌های در ایران را ز رژیم پدید خواهد آورد.

چنانچه اعتراض منتظری‌ها مانگونه باشد که متکس شده یک اقدام مثبت است. این نخستین بار است که در میان سران جمهوری اسلامی ندایی آشکارا به مخالفت با کشتار بلندی می‌شود. این ندا هر چند ضعیف و حتی مصلحت‌طلبانه‌ای باشد، باز هم راه‌های امید است. چرا که اولاً در میان مردم مسلمانان که هنوز سیرافسون آخوندهای حاکم هستند، تا شیخ جدی می‌گذازد و دوماً نهاد کمکی می‌کند که همان شیوه

مبارزات سازمان پیشگام فعالیت می‌کرد، توانسته بود در محلات شهرهای ترکمن صحرا و بیش از صد روستای پرجمعیت منطقه به احداث کتابخانه‌های محلی و روستایی همت گمارد.

مبارزات زحمتکشان منطقه با نقش عملی سازمان زمانه مبارزات سازمان را به مبارزات سراسری طبقه کارگر ایران و جنبش خلق‌های مبارزمیهن مان پیوندیافته بود. تحولات دمکراتیک و انقلابی در ترکمن صحرا، از جنبه‌های مختلف بر مبارزات آنان تا ثبوت خود را می‌گذاشت، مرتجعین و زمینداران بزرگ که با یگانگی در میان توده‌ها ندا شدند، در پی به اجرا درآوردن نیت شوم ارتجاعی خود، با تکیه بر سازمان آموزش دیده‌خیمینی و با حمایت ارتش جهت برهم‌زدن وضعیت منطقه، جنگ خونین دیگری را بر خلق ترکمن و زحمتکشان منطقه تحمیل نمودند. رژیم جنایتکار خیمینی و دشمنان عدالت و دمکراسی با قهر و سرکوب و کشتار و تهاجمات به فعالیت‌های علنی و گسترده ارگان‌های انقلابی و دمکراتیک پایان دادند، اما علی‌رغم توطئه‌های مکرر و اقدامات سرکوبگرانه و تحمیل جنگ‌های خونین، سازمان ندهی نیمه‌علنی و مخفی فعالین سازمان، شوراها و اتحادیه‌های دهقان به دهقان به شیوه و عرصه نوینی از مبارزات عدالتخواهانه خویش گام نهادند و با اتکا بر تهاجم خونین خود با هوشیاری تمام توطئه‌های زمینداران و ارتجاع حاکم را به شکست کشانیدند.

به دنبال اقدامات سرکوبگرانه رژیم فقیها جمعی از فعالین منطقه به زندان‌ها افتادند و با تبعیدگردیدند و تعداد زیادی به جوخه‌های اعدام سپرده شدند.

رژیم خیمینی در سال‌های اخیر برای به شکست کشانیدن مبارزات شورا و زحمتکشان و در جهت استقرار رهنماهای ارتجاعی و ضد مردمی، توطئه‌های رنگارنگی را به اجرا درمی‌آورد. زمینداران و سرما به داران آن‌ها را در نظر رتضیف و تلاشی شواها وصف متحدان آنها را به سر می‌برند. پس از ده سال کشمکش و مبارزات خونین، هنوز هم هیچ‌گونه تونسی از طرف رژیم برای واگذاری زمین‌ها به کسانی که سروری آن‌ها را می‌کنند به اجرا درنیا مسده است. رژیم خیمینی خواسته‌های اصلی و اساسی دهقانان را با توجیهاتی از قبیل "مصلحت اسلام و رژیم" و غیره به با دفراموشی سپرده است. استراتژی رژیم فقیها دفع زمان، تضعیف و تلاشی پیوندشوراها با زحمتکشان و در نهایت برگرداندن زمینها به مملکتین و غاصبین باقی می‌باشد.

خلق ترکمن و زحمتکشان منطقه که برای زمین و آزادی و تحقق مطالبات ملی و فرهنگی و تامین حق تعیین سرنوشت تجربه‌سرشاری را پشت سر دارند و در این راه فرزندان دلاور و استینی را از دست داده‌اند با تکیه بر دستاوردهای وحدت بخش مبارزات شورایی و بهره‌گیری از شیوه‌ها و اشکال متنوع و منطقی سر شرایط کنونی منطقه، همچنان مبارزات حق طلبانه، دمکراتیک و عدالتخواه خود را ادامه خواهند داد.

را به رسمیت بشناسد. ستاد مرکزی شوراها ترکمن صحرا و کارکنان فرهنگ و سیاسی خلق ترکمن در پیشبرد مبارزات ملی و دمکراتیک از طریق نهادها و فوق در شهرهای مذکور نقش سازمان‌نگرانه و همدارایت کننده داشته است.

خلق ترکمن که در طول سالین متممادی حاکمیت جابرانه خاندان منحوس پهلوی از ابتدای ترین حقوق ملی و فرهنگی محروم و سالیها سرکوب و تضيقات را متحمل گردیده‌بود، همگام با جنبش توده‌های میلیونی میهن در جهت احقاق مطالبات ملی و فرهنگی خود و تحقق آرمان‌های عدالت‌ست



دهمین سالگرد مبارزات شورایی زحمتکشان ترکمن صحرا

خواهانه، انقلاب به با خاسته بود. کارکنان فرهنگ و سیاسی خلق ترکمن که با اتکا بر این فرورث ملی و تاریخی به همت نیروهای انقلابی هوادار سازمان و روشنگران دمکرات ترکمن تحت هدایت و رهبری سازمان، بنیادنگاری گردید، تحقق مطالبات فوق را در دستور فعالیت خود قرار داد. کارکنان در طول مدت یک سال فعالیت علنی خود به ترجمه آشکار ادبی، فرهنگی، تاریخی خلق ترکمن همت گماشت. خط و زبان ترکمنی تدوین نمود، تا عربان و نویسندگان و هنرمندان مترقی این کارکنان در برابر مدهسا و مراسم شعرا و ادب به حسابات برجوش نسل نویسن و انقلاب، ترکمن پاسخ می‌دادند.

فعالین سازمان ما با سازمان ندهی و هدایت مطالبات دمکراتیک و صنفی معلمان و فرهنگیان، کارکنان فرهنگیان و کارکنان ترکمن صحرا را تشکیل داده بودند که حمایت وسیعی از این صنف را پشت سر داشت. کارکنان فرهنگیان علاوه بر پاسخگویی سرخواسته‌های دمکراتیک فرهنگیان با فرستادن اکیب‌هایی از معلمان و فرهنگیان به محاسبات و روستاهای منطقه بر مبارزات شورایی زحمتکشان و توده‌ها در شهرها و روستاها تا شیری بخشید. از تشکیل‌های دیگری توان از کارکنان میهن‌دین و تکلیب‌های ترکمن صحرا و اکیب پزشکی ستاد مرکزی شوراها ترکمن صحرا تا مبرده خدمات فنی، عمرانی و درمانی فراوانی برای زحمتکشان روستاها به انجام رسانیدند. کارکنان ترکمن صحرا در جهت حمایت از زنان زحمتکش و قالیباف در کارستان دمکراتی شوراها ترکمن صحرا فعالیت می‌کردند و توانسته‌بود از طریق زنان مبارز و دمکرات نقش فعالی در جهت شناساندن حقوق برابر زنان با مردان و بیداری آنان داشته‌بودند. آنان به عرصه‌های مبارزات دمکراتیک تلاشهای مجدانه‌ای نمایند. کارکنان جوانان پیشگام ترکمن صحرا که به عنوان ارگان دمکراتیک جوانان، در پیوند س

در نوزدهم بهمن ماه ۵۸، با سداران جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی با یورش مسلحانه به ستاد مرکزی و زحمتکشان منطقه ترکمن صحرا به مناسبت سالروز تاسیس سازمان، جنگ دیگری را بر مردم منطقه تحمیل نمودند. آنان با همدستی مالکان بزرگ و ارتجاع منطقه در شب هجدهم بهمن ماه فدائیان خلق رفقا: توماچ، مخوم، و احدی و جرجانی این دلاوران خلق ترکمن را در داخل شهر گنبدیر بودند و پس از یک روز با اعمال شکنجه و آزار و اذیت و به قتل رسانیدند. در این فاصله به مدت ۵ روز متوالی با سداران جنایتکار با حمایت ارتش مسلح به توطئه و تانک به کشتار و نیروهای مبارز مردم بی‌دفاع پرداختند. آنان با سختمان ستاد مرکزی و زحمتکشان روستاهای ترکمن صحرا و فرهنگیان و سیاسی خلق ترکمن را با کینه‌های جنون‌آسا به آتش کشیدند و تخریب و منهدم نمودند. بسیاری از خانه‌های مردم شهر مورد غارت و چپاول قرار گرفت و روستاهای "بدلعه" در مجاورت شهر گنبدیر را به آتش کشیدند.

این یورش سبانه در شرایطی صورت گرفت که دهقانان و زحمتکشان روستاهای ترکمن صحرا بخش عظیمی از زمینهای زراعی خود را از دست زمینداران غاصب پس گرفته بودند. بیش از ۴۰۰ هزار هکتار زمین تحت هدایت و زمینهای ستاد مرکزی شوراها و ترکمن صحرا از کارخانه‌های دریایی ما زندران تاسادامه کوه‌های جرجان در استان خراسان، به اشتراک کشته روستاییان با وجود آورده بودند. ستاد مرکزی شوراها ترکمن صحرا روستاییان را در مبارزه با زمینداران علیه توطئه‌های زمینداران غاصب و ضد انقلابیاری می‌نمود و سازمان ندهی امور کشاورزی زحمتکشان روستاها را در زمینه: کاشت، داشت و برداشت و فروش محصول به عهده داشت. با اتکا بر این تهاجم مبارزاتی شوراها و غنای روزافزون آنها بیش از ۲۵ اتحادیه دهقانی با اشتراک داوطلبانه شوراها و همجوار دهقانی به وجود آمده بود و با ترکیب نما بینندگان این اتحادیه‌ها، اتحادیه سه سراسری روستایی ترکمن صحرا تشکیل شده بود.

درکنگره‌های نوینی شوراها ترکمن صحرا، مهمترین مسائل مبارزاتی و نیای‌های عملی با ترکیب نما بینگان شوراها در دستور بحث و تصمیم گیری قرار می‌گرفت و هماهنگ با انتشار برتسب "خبرنامه ترکمن صحرا" تهاجم فرهنگی و روزافزون شوراها روستایی منطقه در سطح جنبش عادلانه و حق طلبانه زحمتکشان سراسری میهن آسا عه می‌شد. شوراها و تهاجمی‌های صیادان روستاها ندهی و هدایت مبارزات صیادان در بندر ترکمن و کمش تپه در احقاق حقوق صنفی و دمکراتیک صیادان زحمتکش و سهیم گردیدن آنان در نحوه صیدماهی شیلات بندر نقش قابل توجهی پیدا کرده بود. در شهرهای گنبدیر و بندر ترکمن توده‌های مردم با تشکیل شوراها محلات به فعالیت در امور صنفی و اجتماعا سیاسی می‌پرداختند که به دلیل نقش دمکراتیک و حمایت توده‌های این شکل حاکمیت اسلامی مجبور شده بود با برگزاری انتخابات شورایی در شهرها، عملا آنها

شرقی ستارگان

خواهم گریست اگر بخوای که بگیرم
خواهم گریست، اگر ترا نه مرگم را بخوای شنید
از من بخوای اما
که فراموش کنم نام آنان را.
عشق را به آهی بدل خواهم کرد.
اشک را به آهی بدل خواهم کرد.
لبخند را به آهی بدل خواهم کرد.
- اگر فرمان چنین کنی!
از خاطر اما نتوانم زدود
رنگ آن ستارگان شرقی را.
شهرها را بخوای تا بشورانم
رودها را بخوای با بگردانم
مرزها را بخوای تا بشویم از فواصل ملت‌ها
فراموش نمی‌توانم کرد اما
عطر آن سنبله‌های غمگین را.

شعری توانم سرود که خنجری باشد
خنجری توانم ساخت که دسته‌گلی باشد
از شبنم پیشانی‌ها
کهکشانی خواهم آفرید
واز بازوی کارگران
آفریدگاری
هرگز نمی‌توانم اما
نام آنان را چون پرنده‌ای
به بادها بسپارم
که آنان
حستجوگر آزادی بودند
اما
در زندان‌ها زاده شدند
و در زندان‌ها
مردند.

"مانی"

جنبش دانشجویی، تکانه‌های تازه

در ماه‌های اخیر دانشگاه‌های کشور شاهد جنبش وسیع اعتراضی دانشجویان بود. صحنه دانشگاه‌ها نخستین بار پس از سرکوب خونین اردیبهشت ۵۹ و سه سال تعطیل به بیانه انقلاب فرهنگی، شاهد جنبش دانشجویان مختلف تهران، اصفهان، شیراز و تبریز، و سایر دانشگاه‌ها بود. در اعتراض به وضعیت نابسامان آموزشی و بی‌اعتنایی مسئولین به خواسته‌های منصفانه اعتراضی گردیدند و در محوطه دانشگاه‌ها به تظاهرات جمعی پرداختند. اوج اعتراضات، روز ۱۶ آذر، روز مبارزه با فساد بود. به طوری که تمامی روزهای نیمه دوم آذر ماه، دانشگاه‌ها صحنه درگیری دانشجویان با پاسداران رژیم خمینی بود. در جریان درگیری‌ها، دانشجویان مبارز، صادق بوذری در اعتراض به جانی‌کشی و سرکوبگری‌های رژیم با فریادهای "مرگ بر خمینی" در دانشگاه علامه طباطبائی تهران خود را به آتش کشید. در پاسخ به خواست‌های حق طلبانه دانشجویان مزدوران رژیم به سرکوب و ضرب و شتم دست‌انداخته گردیدند. آنها اقدام کردند، دانشگاه اصفهان مدتها تحت محاصره پاسداران بود. در یکی از برخوردهای پاسداران، ۲۲ دانشجو دستگیر شدند که از سرکوبش‌شان اطلاع در دست نیست. در دانشگاه شیراز، ۵۰ تن از دانشجویان، برای یک ترم تحصیلی تعلیق شدند. عده زیادی از هم‌زمان آنها برای مسئولیتی اعلام گردیدند که تاریخ تعلیق این عده و درکلاس‌های درس حاضر نخواهند شد.

اعتراضات سیاسی دانشجویان چنان گسترده بود که سران حکومت ناچار به سرکوت زدن برداشتند. خامنه‌ای تلاش کرد تا با نیازی قهرمانانه صادق بوذری دانشجوی مبارز را قدا نگیزد و سیاستی و نمود کند. جاثی شیرازی اما جمعیه شیرازی با اشاره به درگیری‌های دانشگاه، اعتراف کرده که برای دانشجویان معترض، تندی‌هاست انضباطی در نظر گرفته شده است. در این میان، میرحسین موسوی نخست وزیر اعلام کرد که: برای دانشجویان سهمیه معینی کاغذ خودکار را یکسان در نظر گرفته شده است و نیز ۲٪ از مصالح ساختمانی کشور به ما تخمین خوابگاه‌های دانشجویی اختصاص خواهد یافت.

جنبش دانشجویی کشور که از سن دمکراتیک و انقلابی ریشه دارد، برخوردار است، به معنای به جز بسیار با اهمیت جنبش دمکراتیک و انقلابی مردم ایران نمی‌تواند از او قیامت‌های سیاسی و اجتماعی که جامعه را معمار در خود می‌فشارد، بی‌تاثیر و برکنار بماند. این واقعیت‌ها در میان جنبش دانشجویی راه‌های بی‌کنند و در شکل خاص خود، توسط همین جنبش به میان درمی‌آیند.

خیزش‌های تازه دانشجویی نشان می‌دهد که تلاش‌های ویرانه‌روزی رژیم زبیر نام "انقلاب فرهنگی" برای تخریب سنن مبارزانه دانشگاه‌های کشور و تزریق تاریک اندیشی و خرافه پرستی در اذهان دانش‌آموزان و دانشجویان ناچار شده است. ناگهان زکا در آمده است. بی‌وند آشکاری که در این خیزش‌ها میان مطالبات منصفی و شعارهای سیاسی به چشم می‌خورد، حاکی از اتدای مردم جوان به سنن دمکراتیک و انقلابی جنبش دانشجویی کشور است.

نسل جوانی که امروز در صفوف جنبش دانشجویی در حال خیزش است، خاطر سال‌های پر جوش و خروش انقلاب را با خود دارد. این خاطر هر انداز هم که توسط رژیم کم‌فروغ شده باشد، به پشته‌ها نشاندن دمکراتیک و انقلابی که تاریخ بخشد. دانشجویان انقلابی و متعهد، بر توان بخشی در دانشگاه‌ها و شور و شوق در راه مبارزه با این خیزش‌ها می‌افزاید و به آن اعلالت و اعتبار می‌بخشد. چه بسیارند از دانشجویان امروز، که به سنگرزای روزهای انقلاب بودند و در آن سال‌ها از قتل و شکنجه و شکنجه‌های بی‌گمان طنین‌خیزش می‌لایونی مردم ما که از ادی، استقلال و عدالت اجتماعی را می‌طلبیدند، در خاطر آنها هنوز زنده است. این همه مایه نیرو و قوت رزمجویان نه‌سلسل جوان جنبش دانشجویی کشور است و به آن امکان می‌دهد در حالی که بی‌بوند‌های استوارتری با جنبش توده‌های مردم برقرار می‌کند، در صف مقدم نبرد علیه رژیم ترو و اختناق ولایت فقیه به پیش تازد.

کار فعال در میان دانشجویان، بیدار کردن راه‌های بی‌گناه که به ایجا دو تحکیم زمان‌ها و دمکراتیک و توده‌های آنها بی‌ناحد، سازمان‌گیری مبارزات دانشجویان در پیوند مستقیم با شعارهای مبارز مردم‌گرا و نیازهای عاجل مبارزان انقلابی مردم ایران، یافتن اشکال مناسبی از فعالیت دانشجویی به گونه‌ای که دانشگاه‌ها را به مراکز دمکراتیک و روشنگری اذهان مردم و افشاء جنايات رژیم خمینی بدل سازد و نظام پراپین‌ها، پیش از پیش جلوه می‌نماید سازمان جوانان پیشگام ایران که میراث‌دار سنن دمکراتیک جنبش دانشجویی کشور است، می‌بایست به فعالیت‌های روشنگرانه و سازمان‌گراانه خود در میان جوانان و به ویژه دانشجویان کشور ابتدا در بخش تری بپردازد.

دانشجویان پیشگام به ویژه در شرایط کنونی باید در جهت ایجا دو تحکیم هسته‌های محقق دانشجویی متشکل از عناصر فعال و مبارز در هر دانشگاه تلاش بیشتری کنند. این هسته‌ها باید بتوانند در جهت سازمان‌گیری و هماهنگی اعتراضات دانشجویی، پیش‌برنده مبارزه حول میراث‌داران خواسته‌های دانشجویان، ایجاد متشکل‌های مختلف دمکراتیک و منصفی بر اساس نیازهای واقعی دانشجویان در خوابگاه‌ها و محیط دانشگاه‌ها کنند. تجربه مبارزات دانشجویی در سال‌های سرکوب دست‌انداخته رژیم خمینی نشان داده است که در هر دانشگاهی وقتی عناصر فعال و مبارز در هر دانشگاه با یکدیگر و سازمان یافته به فعالیت اعتراضات می‌پردازند، تخریبی و قدرت اعتراضات را گسترده‌تر می‌سازند. اعتراضات گسترده اخیر در دانشگاه‌های کشور بار دیگر ضرورت تشکیل و تحکیم هسته‌های محقق دانشجویی را پیش از پیش عیان می‌کند. ارتباط مراکز دانشگاهی مختلف با یکدیگر در جهت تبادل اخبار و اطلاعات و نیز تجربه‌گسار و لحظات حاد درگیری و اعتراضات و نیز اقدامات همبستگی و حمایت از یکدیگر و بالاخره تلاش وسیع برای بردن اخبار و مسائل دانشگاه‌ها به میان مردم و تقاضای حمایت از آنان نیز از تجارب آموزنده دوره اخیر مبارزات دانشجویی بود.

بگذار، آنچنان که در سنن رزمجویان نه‌سلسل دانشگاه‌های میهن ما بوده است، درفش بیگمار در راه آزادی و حقوق دمکراتیک مردم بر سر بسام دانشگاه‌های ایران افراشته و افراشته‌سراسر، در اهتزاز در آید

بیدار

سینه‌سرخان این را خنجر کن آتند
سینه‌سرخان این را سینه‌سرخان آتند
ز عاشقان آشنای عطر خاطرهای شهر
بیکانه که کسی را گورگاشی ساخته

آه، ای آذر آذر آزرگین با ما گوی
شعله‌های سحر آذر را چنان بگردان
با کلام فنون گنگ اشباح سرگردان شب
بر همواران راه صبح دم‌ها تاخته
وان همان نغم چاک آستان سهر و سبزه
در کله این گریه و میش خونچکان بواخته

هان گوی و ایسین آوای میگردانهای تیر
که آزمون را آرتان پیکان جان آتند
مام حسین تا تم افزای خون بدامن میگردد
پس سروی در امید و پیمان بپروانته
سینه‌سرخان آتند و در خون خویش آتند
وین چنین پرچم آتند و می‌سجود آتند

بیشتر از حد لازم با "اسلام‌ناپ محمدی" ادعای بی‌خیمنی آشنا می‌کنند و نفرت علیه مثال خمینی را بر می‌کشید. به برکت همین مطالبه‌های بی‌خیمنی که مبارزه برای به آتش کشیدن آن بر می‌گردد، خمینی به دست گرفته است، در سراسر جهان و منظمه در میان مسلمانان در حال گسترش است. چهره خونبار حزب الله، خوان المسلمین و هم‌تای آنها در لبنان، سوریه، عراق، مصر، سودان و غیره... هر روز عیان تر و نفرت انگیزتر می‌شود. بی‌ام‌طوری تنظیم شده که کوی خمینی خلیفه کل جهان اسلام است. این حیلۀ خونین الیت‌ها تصادفی نیست. خمینی با این حیلۀ تلاش می‌کند که بقیه در صفحه ۸

وقتی که خمینی مصلح جهانی می‌شود!

ماه گذشته، در یک اقدام بی‌سابقه، خمینی بی‌ام‌طوری برای میخائیل گابریل، رهبر اتحاد شوروی ارسال کرد و هیاتی را نیز همراه پیغام راهی شوروی کرد. در بخشی از این پیام آمده است: "ما شاهد تغییراتی که شما در کشورتان انجام دادید، بودیم و برای این که شما پس از ۷۰ سال جزارت به خیم دادید، بی‌دوبه تجدید نظر در آنچه که سران کمونیسم اعلام کرده‌اند، پرداختید، شمساراً تحسین می‌کنیم... من خوشحال هستم که بعضی آزادی‌های مذهبی در بعضی جمهوری‌ها داده شده است. من توصیه می‌کنم که دیگر با ره‌اندیشی‌های الهی بی‌اندیشی و به مذهب اسلام الهی خوب فکر کنید و در باره آن مطالبه کنید... شما با بی‌تای بداندید که اسلام و یدئولوژی اسلامی یعنی چه؟ شما با بی‌تای چندتن از خیرگان خود را به قلم‌بهرستید تا اسلام‌ناپ محمدی را بشناسید... از طرف دیگر حاکمان شما سوسیالیسم و کمونیسم را کتا رگذاشتید، بنا بر سستی باغ سبزه شما را فریب دهد، چرا که آنها نیز دچار بن بست هستند و یدئولوژی اسلامی می‌تواند این‌ها را برکنند." اودر انتهای پیام گفته است که

آدرس	اتریش
P.10 1091 WIEN AUSTRIA	
حساب‌سنگی	AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARNER

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!